

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی درباره تصویب نخستین قانون طبابت در ایران، به بهانه یکصدمین سال سالگرد تصویب این قانون

فرید قاسملو

عضو گروه تاریخ علم، بنیاد دائرة المعارف اسلامی

درآمد:

خردادماه سال ۱۳۹۰ خورشیدی مقارن بود با یکصدمین سال تصویب قانون طبابت در ایران، که در خرداد ماه ۱۲۹۰ خورشیدی در دومین دوره مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

به نظر مولف این سطور، آرام آرام باید جایگاه جدیدی در مطالعات تاریخ علوم در ایران باز کرد و آن، نگاهی کمابیش جامعه شناختی به موضوع علوم است. حال، چه علوم کهن و چه علوم جدید. جامعه شناختی از این منظر که دائم در حال این پرسش از خود باشیم که "دانشی" که در حال مطالعه آن هستیم، کجای روابط انسانی عصر و زمان خود بوده و به عبارت دیگر، "مردم" کجای مطالعات تاریخ علوم هستند؟

از میان علوم مختلف، پزشکی بیش از همه دانش‌ها می‌تواند محل عرصه این گونه نظریات تاریخ علمی - جامعه شناختی باشد. چراکه پزشکی از معدود دانشهایی بوده که می‌توانسته محل طرح روابط عمیقی از رویکرد دو جانبه مردم - دانشمندان باشد. به جز دانش پزشکی، کدام دانش را می‌توان سراغ گرفت که همه مردم، در همه اعصار این همه با آن مشغول بوده و این همه با آن ارتباط داشته باشند؟

اکنون که یک قرن از تصویب قانون طبابت در ایران می‌گذرد، بیش از همه می‌توانیم از خود پرسیم این قانون در پاسخ به کدام نیاز اجتماعی کشور ما تصویب شد؟ اگرچه شاید در مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی کمتر به این موضوع اشاره شده باشد، اما به نظر مولف این سطور، مطالعه این مذاکرات رویکرد مناسبی

است برای پاسخ گفتن به پرسشی که در بالا طرح شد. در عین حال، شاید اگر به بحث‌هایی که در کمیسیون معارف مجلس وقت شده بود دست می‌یافتیم بیشتر می‌توانستیم به این پرسش پاسخ دهیم. اما کوشش مؤلف این سطور برای دست یافتن به صورت جلسات این کمیسیون‌ها تا کنون بی‌نتیجه مانده است، اگر اصولاً صورت جلسه‌ای باقی مانده باشد. احتمالاً در این صورت جلسه‌ها از نگاهی عمیق‌تر به موضوع لزوم قانونمند کردن رفتارها و کارکردهای پزشکان پرداخته شده است، تا مذاکرات صحن علنی مجلس که بیش از هر چیز به حکم و اصلاح کردن "قانونی" لوایح اختصاص دارد. اما باز هم، با مطالعه این مذاکرات به جنبه‌های مختلفی از بازخوردهای اجتماعی که در آرای نمایندگان مجلس و نیازهای اجتماعی برای قانونمند کردن فعالیت‌های پزشکان اشاره شده است.

دوره دوم تقنینیه ایران طی سالهای ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۰ فعالیت کرد. این دوره قانونگذاری با یک سال و نیم فترت نسبت به دوره اول تقنینیه، در فروردین ماه ۱۲۸۸ افتتاح شد و به دنبال ماجرای اولتیماتوم روسیه به ایران در دی ماه ۱۲۹۰ نیز منحل گردید. این دوره قانونگذاری مقارن حکومت احمدشاه قاجار در ایران بوده است. ریاست مجلس در هنگام تصویب قانون مورد نظر ما با حاج موتمن الملک بود.

از نظر تطور قانونگذاری پزشکی و امور مربوط به آن، باید گفت قانون طبابت نخستین قانون مصوب دوره دوم تقنینیه در این زمینه نبود. در شانزدهم آبان ماه ۱۲۸۹ این مجلس قانون حفظ الصحه و آبله کوبی را در دو ماده تصویب کرد که براساس آن از مالیات و سالیانه نقلیه تومانی یک قران برای اصلاح امور حفظ الصحه و بخصوص تعلیم آبله کوبی تخصیص می‌یافت.

در این دوره، در فروردین ماه ۱۲۸۹، مجلس شورای ملی در جلسه ۱۰۰۰ام خود، قانون طبابت را تصویب کرد. این قانون در ۱۲۸۹ شمسی در مجلس شورای ملی تصویب شد. این قانون در ۱۲۸۹ شمسی در مجلس شورای ملی تصویب شد.

تاریخ پزشکی ایران را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. دوره اول از آغاز تمدن تا پیش از اسلام و دوره دوم از اسلام تا کنون. در دوره اول، پزشکی بر اساس آموزه‌های دینی و فلسفی شکل گرفته و در دوره دوم، با تأثیر از علوم غربی و روش‌های تجربی، تحولی اساسی در آن رخ داده است. در این مقاله، به بررسی میراث اسلامی در پزشکی ایران می‌پردازیم و به این سؤال می‌پردازیم که چگونه میراث اسلامی در پزشکی ایران تأثیر داشته است. در این مقاله، به بررسی میراث اسلامی در پزشکی ایران می‌پردازیم و به این سؤال می‌پردازیم که چگونه میراث اسلامی در پزشکی ایران تأثیر داشته است.

تا کنون چند اشاره کوتاه و بلند از قانون مورد نظر ما درمونی که به تاریخ پزشکی ایران پرداخته‌اند دیده می‌شود. فلور (صفحه ۲۸۲) اشاره کوتاهی به این قانون کرده و روستایی (جلد ۲، صفحه ۱۷-۲۴) ضمن درج متن قانون، چند نامه نگاری درباره چگونگی اجرای آن در سطح کشور را نیز آورده است.

متن مذاکرات پیش رو، از صورت چاپ شده مشروح مذاکرات مجلس استخراج گردیده است. به جهت آگاهی از نص قانون، متن آن را نیز یک بار دیگر در پایان مذاکرات آورده ایم. در رسم الخط گفتگوها نیز تا حد امکان به آنچه در صورت چاپ شده مذاکرات آمده است، وفادار مانده ایم.

نگاه به تاریخ پزشکی ایران در منظر قانونگذاری یک از الزامات بررسی تاریخ

پزشکی ایران در دوره نوین آن است و آرزوی مؤلف این سطور آن است که به این جنبه از تاریخ پزشکی ایران به صورت جدی تر پرداخته شود.

مشروح مذاکرات

صورت مذاکرات یوم سه شنبه

۱ شهرجمادی الثانیه ۱۳۲۹ (۸ خرداد ۱۳۹۰ خورشیدی)

رئیس: دستور جلسه امروز لایحه تفتیشیه وجه استقراضی؛ قانون طبابت؛ طرح قانون راجع به تجزیه بلوچستان از کرمان؛ ولی طرح قانون راجع به تجزیه بلوچستان از کرمان که رجوع شده بود به کمیسیون تا حال راپورتش نیامده، پس شروع می کنیم به لایحه تفتیشیه یا اینکه شروع می کنیم به لایحه طبابت تا وزرا حاضر شوند، بعد شروع می کنیم به لایحه تفتیشیه؛ این شور دوم قانون طبابت است باید رأی بگیریم داخل شور دویم شویم. آقایانی که تصویب می کنند که داخل شور دویم شویم قیام نمایند: با اکثریت تصویب شد، ماده اول را بخوانید (به عبارت ذیل قرائت شد):

ماده اول هیچ کس در هیچ نقطه ایران حق طبابت ندارد، مگر این که از وزارت معارف اجازه نامه طبابت گرفته به ثبت وزارت داخله رسانیده باشد.

دکتر حیدر میرزا: بنده عرض می کنم قانون باید طوری نوشته شود که قابل اجراء باشد و شرایط مقدماتی و اصلاح آن را فراهم کرده باشند و الا چیزی را بنویسند و نتوانند اجراء بکنند، علاوه بر این که این نوشتن بی فایده است اسباب تولید خیلی مفاسد می شود این که هیچ کس در هیچ نقطه ایران حق طبابت ندارد آن را می نویسد و منتشر هم می شود یکی ملاحظه بفرمائید که در ولایات چه مداخلات جزء و کل در این امور می شود نسبت به اطباء و همچنین چه دست و پاها از طرف اطباء خواهد شد. شرایطی از برای این کار هست اگر بعد از شش ماه دیگر در زنجان یا در کرمان به فلان طبیب گفتند حق طبابت نداری به جهت این که پنج سال طبابت نکرده ای شرطی مهیا است که مطابق آن شرط تکلیف او معین شود یا خیر اگر آن شرط ممکن

نیست تا مدتی فراهم به اصلاح بشود چه فایده دارد که این را بنویسیم و یک اسباب اشکال زیادی برای دولت فراهم بیاورد و هم از برای طبیبهای محلی که جزء این قانون هستند، اعم از این که تحصیلی کرده باشند یا نکرده باشند و همچنین از برای حکومت اسباب زحمت است که بنده دیگر شرح جزئیات آن بی ترتیبی‌ها را در این جا صلاح نمی‌دانم و اشخاصی که اطلاع و سابقه دارند به بعضی ترتیبات می‌دانند که این قبیل مطالب که بلا تکلیف بماند، چه طور اشکال فراهم خواهیم خواهد کرد. اگر بی اثر بماند که بعضی معایب نسبت به مطلق قوانین حاصل می‌شود و اگر مؤثر واقع شود که بعضی شرایط مقدماتی او ترتیب داده بشود حرفی ندارم. علی العجالة مال تهران را منظم و دائر بکنید و بعد به تدریج به سایر جاها پردازید.

ذکاء الملک (مخبر کمیسیون معارف): خاطر آقایان هست که در وقتی که شور اول این قانون می‌شد راپورت کمیسیون این بود که عجالتاً این ترتیب انحصار به تهران داشته باشد و بنده هم مدافع بودم، لکن بعضی پیشنهادها از طرف نمایندگان شد و انصافاً هم اگر ملاحظه شود هر قدر قوانین عمومیت داشته باشد بهتر است کمیسیون بعد از ملاحظه پیشنهادها یک ترتیبی اتخاذ کرد که هم مزیت مطلوبه که عمومیت قانون است حاصل شود، هم این که طوری باشد که محظوری پیش نیاید و قابل الاجرا باشد ملاحظه می‌فرمائید اینجا عوض این که هیچکس در تهران حق طبابت نداشته باشد نوشته شده است هیچ کس در ایران حق طبابت ندارد و لیکن ترتیباتی که برای تهران داده شده برای ولایات داده نشده است، بنا بر این که آن دفعه عرض کردم اسبابی که در تهران فراهم است در ولایات فراهم نیست که بتوانیم قانون را در ولایات هم مثل تهران اجرا کنیم و اطبای حاذقی هم که لازم است در ولایات به قدر کفایت نیستند. بنا بر این قانون را عمومیت دادیم و لیکن طریق اجرای آن را در مرکز و ولایات متفاوت قرار دادیم. در تهران بطوری که ملاحظه فرمودید اشخاصی را که تحصیل نکرده‌اند چند قسم کردیم بعضی را رد کردیم بعضی را قبول کردیم به شرط امتحان دادن یا بواسطه طول مدت طبابت ایشان، اما در ولایات

گفتیم طبائی که تا تاریخ نشر این قانون مشغول طبابت بوده‌اند اجازه طبابت می‌توانند بگیرند و همین قدر خودشان را باید به دولت معرفی کنند و بنمایانند که در تاریخ نشر این قانون مشغول طبابت بوده‌اند. چون چاره غیر از این نداریم و لیکن چیزی که هست چون هم یک وقتی باید به این ترتیب غلط حالیه خاتمه داده می‌گوئیم از حالا به بعد هیچ کس نباید مشغول طبابت در ولایات بتواند بشود، مگر این که تصدیق نامه داشته باشد. اما آنهایی که تاکنون مشغول طبابت بوده‌اند نمی‌توانیم مخالفت بکنیم و بدون شرط به ایشان اجازه می‌دهیم و در خصوص پیشنهاد آقای لسان الحکماء کمیسیون اکتفا نکرده است به تبدیل لفظ تهران به ایران و اعضاء کمیسیون عقیده نداشتند که این قانون را عمومیت بدهند به این که فقط لفظ تهران به ایران تبدیل کنند، بلکه چیزی هم در آنجا اضافه شده که یک ماده الحاقیه می‌شود و آن ماده می‌بایستی خوانده شود که آقایان بدانند که ترتیبی داده شده است که می‌توان در ولایات هم بسهولت اجرا کرد.

افتخار الواعظین: بنده در مقام قانون گذاری همیشه عقیده‌ام این بوده است و خواهد بود که قانون را باید به قسمی نوشت که بعد از امضاء بموقع اجرا برسد. یعنی به هر اندازه که اسباب و لوازم اجرای آن را حاضر داریم مطابق همان لوازم و اسباب آن روزه قانون بگذاریم، بعد از برای ده سال دیگر یا پنج سال دیگر اگر لوازم این کار زیادتر شده که در ولایات هم اسباب اجرای قانون فراهم بشود که در همان روز ممکن است مقنن آن قانون را عمومیت دهد و یک ماده قانون زیاد کند. قانون وضع شود و اجرا بشود بهتر است نسبت به مقتضیات تا این که تعمیم داده شود. ولی برای نداشتن وسائل و اسباب اجرای آن را موکول به پنج سال یا ده سال دیگر بکنیم، بنده عرض می‌کنم که اینجا نوشته شده است که هیچ کس در هیچ یک از نقاط ایران حق طبابت ندارد اگر چنانچه اقلش در هر کدام از شهرهای ایران آن شهرهای کوچک یک نفر طبیب که واقعاً طبابت را به طرز قدیم کاملاً می‌دانست می‌داشتیم، می‌دانیم که طبیب قدیمی بوده نه طبیب به طرز جدید ممکن بود که ما این ماده را بگذاریم و

بگوئیم کسانی که بعد از این می‌خواهند داخل طبابت شوند نگذارند و ممانعت کنند تا این که اجازه بگیرند آن وقت مشغول طبابت شوند، چون بدبختانه می‌دانم که در بیشتر شهرها یک نفر طبیب کامل قدیمی نداریم بعد از آنکه این قانون گذشت بنده نمی‌دانم که مردم در شهرها با بودن همان طبیبهای ناقص آنها تکلیفشان این است که مریض یا به آن اطبای ناقص رجوع نکنند و اگر به آنها رجوع نکردند فوراً طبیب کامل حاذق برای آنها از کجا تهیه خواهد شد که رفع احتیاج آنها را بکند، بنده عقیده‌ام این است که این قانون بالفعل منحصر به شهر تهران باشد. پس از این که کم مدارس طبی در مملکت دائر شد و طبیب درست کردیم آن وقت باید بگوئیم دیگران طبابت نکنند اول باید طبیب درست کرد. بعد به مردم گفت کسی طبابت نکند مگر به فلان شرایط وقتی که طبیب را حاضر کردیم آن وقت می‌توانیم عمومیت بدهیم که تمام شهرهای ایران داخل در این قانون باشند؛ ولی امروز بواسطه نداشتن اسباب باید منحصر به تهران باشد.

به جهت آقای افتخارالواعظین گویایانان آقای مخبر را گوش ندادند، عجالتاً شرایطی که برای ولایات نوشته می‌شود بقدری سهل است که نمی‌شود در او اشکال کرد یکی این است که طبابت در ولایات به کلی آزاد باشد، به عقیده بنده باید هر کسی طبابت می‌کند یک شرطی برایش قرار داد که اقلأً یک مدتی نسخه نویسی پیش یک طبیبی کرده باشد، نه این که مثل اشخاصی که جفّار یا رمّال هستند و طبابت هم می‌کنند و می‌روند در ولایات و دهات مردم را به کشتن می‌دهند، چنانچه از این قبیل بوده است. پس طبابت یک چیزی نیست که آزاد محض باشد. باید یک شرایطی داشته باشد و آن وقتی که شرایطش را می‌نویسیم یک طوری باید قرار بدهیم و بقدری باید سهل باشد که در تمام ایران مجری بشود. فرضاً هم اگر اجرا یکقدری اشکال داشت و شرایطش قدری سخت باشد ممکن است که یک ماده در ذیل آن در همین جا نوشته شود که اجرای این قانون ابتدا از تهران باشد و بعد از پنج سال یا بعد از حصول فلان شرایط در سایر بلاد ایران خواهد جاری شد عقیده بنده این است

که در هیچ یک از بلاد ایران ما نتوانیم بگوئیم که طبابت آزاد است و هر کس به هر شکلی که می‌خواهد طبابت بکند.

سعید الاطباء: بنده عقیده‌ام این است که قانون را باید طوری وضع کرد که دچار محظورات نشویم. عقیده بنده این است که اگر این مسئله را بخواهیم بنویسیم که در تمام ایران بر می‌خوریم به خیلی از محظورات آقایانی که قدری مسافرت فرموده‌اند دیده‌اند کمتر می‌شود در ولایات طبیعی باشد که تحصیل کرده باشد چه در داخله چه در خارجه و عده اطباء بقدری باشد که کفایت طبابت آن شهر را بکند به این جهت بنده عقیده‌ام این است که ممکن نیست که بدون شرط قرار بدهیم و موافقم با این که یک شرطی قرار بدهیم، ولی در ولایات بعد از یک سال اجرای آن را قرار بدهیم به جهت اینکه الان هیچ ممکن نیست که ما بخواهیم این قانون را در تمام نقاط مجری بداریم باید در تمام مطب‌ها را ببندیم آن وقت ابداً طیب نخواهیم داشت و یا این که امروزه طیب کم دارید گمان نمی‌کنم هیچ ممکن باشد به این ترتیب در تمام ولایات اجراء کرد.

با آنکه امروزه اکثر کشورهای اسلامی در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی با کشورهای غربی همکاری‌های گسترده‌ای داشته‌اند، اما در زمینه طب سنتی و میراث اسلامی، هنوز همکاری‌های جدی و مؤثری صورت نگرفته است. این امر می‌تواند به دلیل نبودن یک نهاد تخصصی و هماهنگ در این زمینه باشد. از طرف دیگر، نبودن یک دیدگاه مشترک و یک رویکرد واحد در کشورهای اسلامی نیز می‌تواند یکی از دلایل این امر باشد. در ادامه به بررسی این موضوع و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود همکاری‌ها در این زمینه خواهیم پرداخت.

رئیس: گمان می‌کنم مذاکرات در این خصوص کافی است. (بعضی اظهار کردند کافی نیست)

رئیس: آقای دکتر امیر خان بفرمائید.

با توجه به اهمیت موضوع و نیاز به یک نهاد تخصصی و هماهنگ در این زمینه، پیشنهاد می‌کنم که یک کمیته تخصصی و هماهنگ در این زمینه تشکیل داده شود. این کمیته می‌تواند به بررسی و هماهنگی اقدامات کشورهای اسلامی در این زمینه بپردازد و همچنین می‌تواند به تبادل نظر و همکاری‌های علمی و فرهنگی در این زمینه کمک کند. از طرف دیگر، برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای تخصصی و هماهنگ در این زمینه نیز می‌تواند به بهبود همکاری‌ها و تبادل نظر در این زمینه کمک کند. امیدوارم که با همکاری و هماهنگی کشورهای اسلامی، شاهد پیشرفت‌های بیشتری در این زمینه باشیم.

در این مقاله، به بررسی نقش‌های مختلف زنان در جامعه ایران پرداخته می‌شود. در ابتدا، به وضعیت زنان در دوره‌های مختلف تاریخ ایران اشاره می‌گردد. سپس، به بررسی نقش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان در جامعه معاصر ایران پرداخته می‌شود. در ادامه، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو زنان در ایران پرداخته می‌شود. در نهایت، به بررسی راهکارهای بهبود وضعیت زنان در ایران پرداخته می‌شود.

در این مقاله، به بررسی نقش‌های مختلف زنان در جامعه ایران پرداخته می‌شود. در ابتدا، به وضعیت زنان در دوره‌های مختلف تاریخ ایران اشاره می‌گردد. سپس، به بررسی نقش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان در جامعه معاصر ایران پرداخته می‌شود. در ادامه، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو زنان در ایران پرداخته می‌شود. در نهایت، به بررسی راهکارهای بهبود وضعیت زنان در ایران پرداخته می‌شود.

ذکاء الملک: این نکته را همیشه باید در نظر داشت که احتیاج ما در اختراع است وقتی که مردم محتاج شدند به یک چیزی آن را فراهم می‌کنند عرض کردم مردم تا امروز محتاج نبوده‌اند از برای طبابت تحصیل بکنند، وقتی که حدی برای طبابت قرار داده شد آن وقت یقیناً تحصیل خواهند کرد و اطباء تحصیل کرده پیدا خواهند شد در ولایات هم لازم نیست مدارس طبی تأسیس بشود در تهران که مدرسه طبی هست کفایت و این که فرمودند اشخاص متمول می‌توانند تحصیل طب بکنند یا اولادشان را برای تحصیل طب بفرستند اشخاص فقیر هم نمی‌توانند بیایند تحصیل بکنند. بلی این مادامی است که در این مملکت کار شرط زندگانی نباشد بنده تصدیق می‌کنم که تا به حال در این مملکت کار شرط زندگانی نبوده چیزهایی شرط زندگانی بوده غیر از کار کردن و مادامی که این ترتیب باشد حال ما همین خواهد بود ولی گمان می‌کنم که امروز داخل در یک دوره‌ای شده‌ایم که قائل شده‌ایم به این که انسان بوسیله کار باید تحصیل معاش بکند و در دنیا یکی از کارها که باید وسیله معاش باشد طبابت است. وقتی که مردم از راه مفت خوری و از راههای غیر مشروع دیگر نتوانند تحصیل معاش کند مجبور می‌شود، هر کسی یک نوع وسیله برای امر معاش خودش پیدا بکند از کاسبی و صنایع و حرف و علوم و غیره ها که از جمله یکی هم طبابت است و همین یک مدرسه طبی که در تهران هست با این جمعیت حالیه ایران کفایت می‌کند و وقتی که مردم خواستند تحصیل بکنند همین مدرسه دارالفنون پر خواهد شد و تا پنج شش سال دیگر خواهید دید که اطبای

تحصیل کرده بقدر کفایت برون خواهد آمد.
رئیس: حالا آقایان مذاکرات را کافی می‌دانند؟ (اظهار شد بله)

یک اصلاحی از طرف آقای دکتر علیخان پیشنهاد شده است قرائت می شود و رأی می گیریم.
(به مضمون ذیل قرائت شد):

بنده پیشنهاد می کنم که در ماده اول لایحه طبابت اینطور نوشته شود هیچ کس در هیچ نقطه ایران حق طبابت و دندانسازی ندارد الی آخر.

رئیس: کمیسیون این اصلاح را قبول دارد؟

ذکاء الملک: ضرر ندارد دندانسازی را هم جزء بکنند.

دکتر علیخان: بنده همین قدر می خواستم عرض بکنم برای بعضی آقایان که این مطلب خیلی به نظرشان عجیب می آید که در نظر بیاورند که یک کسی که دندانسازی نمی داند لازم است که دندانسازی بکند یا لازم نیست فرض بفرمائید حالا تا ده سال دیگر هم در این مملکت مدرسه دندانسازی نباشد اشخاصی که نمی توانند دندانسازی بکنند دندانسازی می کنند و اسباب زحمت برای مردم فراهم شود اشخاصی که در خارج هستند مشغول به این عمل خواهند بود و اشخاصی که نمی دانند تا وقتی که دولت اسباب آن را فراهم کند و همین قدر که قانون را مقنن گذاشته است دولت هم در صدد اجرای آن بر می آید و در کمال سهولت می تواند در همین مدرسه دولتی یک مدرسه دندانسازی معین بکند و از آنجا هم تصدیق بگیرند و مشغول دندانسازی شوند و گمان می کنم جلوگیری از این کار هیچ اهمیت ندارد برای اینکه در خیلی از ممالک حق نمی دهند به دندانساز که مریض را بیهوش بکند مگر به امضای طبیب و اینجا خیلی از اشخاص هستند هیچ اطلاع از دندانسازی ندارند و هزار جور از مردم پول می گیرند و می خورند این را باید جلوگیری کرد و نباید گذاشت که این قبیل مردم اسباب اشکال برای مردم فراهم کنند.

رئیس: چون کمیسیون قبول کرده است این را در آخر رأی می گیریم. اینجا سه فقره اصلاح دیگر پیشنهاد داده شده است:

(۱) از طرف دکتر لقمان به عبارت ذیل قرائت شد:

بنده پیشنهاد می‌کنم که اشخاصی که مشغول به شعبه مخصوص از علم طب می‌باشند مشمول قوانین و مواد فوق الذکر هستند.

ذکاء الملک: این مطلب قابل توجه است آن پیشنهادی هم که آقای دکتر علی‌خان کردند راجع می‌شود به همین مطلب پس در این صورت بنده عقیده‌ام این است که لفظ دندانسازی را در ماده اول اضافه بکنند، بلکه این ماده اول همانطور که هست باشد در کمیسیون با اصلاح آقای دکتر علیخان تطبیق می‌کنیم و درست می‌شود.

رئیس: رجوع می‌شود به کمیسیون. پس ماده اول می‌ماند.

(۲) از طرف آقای انتظام الحکماء قرائت شد: بنده پیشنهاد می‌کنم هیچ‌یک از طبیبی که کمتر از ۵ سال در طهران مطب باز کرده‌اند حق طبابت ندارند، مگر آن که از وزارت معارف اجازه نامه طبابت گرفته باشند و به ثبت وزارت داخله رسانیده باشند.

انتظام الحکماء: عرض می‌کنم اشخاصی که دارای مطب بودند یقیناً آنها بواسطه تحصیلات و تجربیاتی که دارند ده سال، پانزده سال لابد آنها تا یک درجه امتحانات خود را نسبت به همان دروس داده‌اند و کمتر از دهسال و پنجسال اشخاصی که مطب باز کرده‌اند آنها خارج از دو قسم نیستند. یا اشخاصی هستند که دیپلمه هستند اینها البته دیپلم خود را ارائه می‌دهند و آنها را که دیپلم نیستند لابد باید که بروند و اجازه نامه بگیرند. پس کمتر از پنج سال بنده عقیده‌ام اینست که صحیح نیست و لابد اقل این طور که بنده پیشنهاد کرده‌ام نوشته شود.

رئیس: رأی می‌گیریم به اصلاح آقای انتظام الحکماء. آقایانی که تصویب می‌نمایند قیام نمایند. (اغلب قیام نمودند) رد شد.

(۳) از طرف آقای لوآء الدوله به شرح ذیل خوانده شد:

بنده پیشنهاد می‌کنم که به جای «هیچ کس در هیچ نقطه ایران حق طبابت ندارد» این نوع نوشته شود: هیچ کس در طهران و شهرهای معظم ایران حق طبابت ندارد و در شهرهای متوسط تا یک سال بعد از نشر این قانون و در شهرهای کوچک و

قصبه جات و بلوکات تا دو سال بعد از نشر این قانون حق طبابت ندارد. لواء الدوله: عرض می‌کنم علتی که اینجا ذکر شده است برای این است که یقین است که وزرات معارف در این مدت می‌تواند تهیه اطباء بکند، یعنی ممکن است بعضی اشخاص از ولایات دعوت بکند و تصدیق نامه بگیرند و آن وقت بروند به ولایات، اما این که نوشتیم تا شش ماه یا چهار ماه این آن قدر وقت ندارد وقت کم است و مردم آنجا را هم نمی‌شود گفت که هیچ مریض نشوید، لابد مریض می‌شود و آن اطباء هم هیچ تصدیق نامه ندارند و مردم به آنها معتقدند باید به همان طیب فعلا رجوع بکنند و معالجه بشوند تا زمانی که طیب صحیح که با تصدیق نامه وزارت معارف از اینجا روانه بشود، اینجا نوشتیم در شهرهای بزرگ ممکن است در هر شهری ده پانزده طیب داشته باشد، اما شهرهای کوچک و قصبات هیچ طیب ندارند تقریباً همان کحال و رمال است.

رئیس: عقیده کمیسیون در این باب چیست؟

ذکاء الملک: عقیده کمیسیون این است که طریقی که کمیسیون اختیار کرده از این ترتیب سهل تر است.

رئیس: رأی می‌گیریم. آقایانی که اصلاح آقای لواء الدوله را قابل توجه می‌دانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه نشد.

ده دقیقه تنفس داده می‌شود بعد از تنفس قانون طبابت است از ماده دوم. (مجدداً بعد از تنفس یک ساعت قبل از غروب جلسه تشکیل گردید.)

رئیس: ماده اول از قانون طبابت که به کمیسیون رجوع شده بود و راپورتش داده شده است، قرائت می‌شود.

ماده یک: هیچ کس در هیچ نقطه ایران حق اشتغال به هیچ یک از فنون طبابت و دندانسازی ندارد مگر آن که از وزارت معارف اجازه نامه گرفته و به ثبت وزارت داخله رسانیده باشد.

رئیس: مخالفی هست؟

ادیب التجار: وضع قانون به جهت آسودگی مردم و جلب توجه آنان به قانون است بنده تجربیاتی که حاصل کرده‌ام در این مدت و دیده‌ام هرچیزی را که ما با یک عقیده صافیه آن را قانون قرار دادیم برای رفاه مردم و آسودگی عموم در آنجائی که اغلب مردم واقف به مصالح خود نیستند و به آسودگی خودشان از روی غفلت و نادانی واقف نیستند و بعضی مأمورین ما هم حدود مأموریت را نمی‌دانند آن قانون یک اسباب دردسری برای مملکت فراهم می‌آورد، بنده خیلی همراهم با این که قانون طبابت بگذرد و تصویب شود، ولی اختصاص داشته باشد به تهران عمومیت آن را به شهرهای دیگر به دلایلی که یکی دو تای او را عرض می‌کنم تصویب نمی‌کنم به جهت این که آقایان تا مدت شش ماه تصویب کرده‌اند که تکمیل طبابت بشود که بعد از شش ماه دیگر کسی طبابت نکند ولی همان مأمورینی که این اسباب و تمسک قرار قانون منزجر می‌کنند عقیده بنده این است که عجلتاً این قانون در خود تهران مجری باشد تا انشاء الله همین که مدارس طبی تکمیل شد مردم یک قدری بیشتر روزنامه خوان و معارف دان شدند و فهمیدند که نظر مجلس شورای ملی از این قانون و تعمیم او چیست آن وقت بالطبع نشر می‌کند، خود این قانون از مراکز بولایات والا با این عدم علم و عدم اطلاع مردم اسباب انزجار و تنفر خواهد شد. بنده مثل می‌آورم قانون نمک را برای شما نمک را مردم از یک من عباسی خریدن منزجر نشدند از آن منزجر شدند که در خمسه یک من چهار هزار به مردم فروختند، مثلاً وزراء گفتند پول قیانداری پنج شاهی بگیرند. در اغلب جاها یک تومان دو تومان گرفته‌اند اگر کسی به کابینه مالیه و نوشتجات آنجا رجوع کند در همین حوالی شمیران نمک را یک من دو قران فروختند به مردم این مردم را منزجر کرد یک من چهار عباسی منزجر نکرد و مردم را عدم وقوف مأمورین دولت که حدود خودشان را نمی‌دانستند و حسن مشروطیت را به مردم نفهماندند و از حدود خودشان تجاوز کردند و آلت به دست مردم در ولایات دادند برای انقلاب بنده خودم از آن اشخاصی هستم که منکر طبییهای امی ولدنی هستم، می‌گوئیم اطباء باید

دکتر حیدر میرزا: بنده عرض می‌کنم که این فرمایشات را مردمان دانا ملتفت می‌شوند، البته صحیح است، ولی از برای ملت جاهل وقتی یک قانونی برای آنها وضع و منتشر می‌شود.

رئیس: مطالبی را اظهار می‌کنید درست در او غور کنید و بسنجید و بگوئید.

دکتر حیدر میرزا: بله آن قانون که مجری نشد مقدمه می‌شود از برای کارهای آتیه که اطاعت به اوامر قانون نشود والا قانون که گذشت و بعضی مقدمات و شرایطش را مهیا نکنیم چه فایده دارد خود وزارت معارف ابتدا معین کرده بود که هیچ کس در تهران حق طبابت ندارد مگر با اجازه آن وقتی که آن مجلس منعقد شد و چند نفر طیب عالم که نشستند و گفتند که سال اول در تهران اجراء می‌شود یک دو سال که گذشت بعد شرایطش که مهیا شد او را در اطراف ولایات به تدریج مجری می‌داریم. حالا بر خلاف وزارت معارف یک رأی می‌خواهیم بدهیم که عمومیت بدهیم آیا می‌خواهیم بدانیم که خود وزارت معارف تعهد اجرای این را در ولایات می‌کند یا اینکه این قانون هم به واسطه آنکه در اجراء بیاید یک سوء اثری در اذهان عوام پیدا می‌کند که آن سوء اثر یک ضرری تولید می‌کند، خود این طیب هائی که سابق بر این هرچه بوده‌اند، سال‌های دراز بوده‌اند و رفته‌اند همین سبب می‌شود که اولاً جمعی طیب در بعضی مواقع مورد تعرضات و بلکه ستم و نظم بلکه کشتار نسبت به قوت صاحبان مریض می‌شود چنانچه در تاریخ ایران اتفاق افتاد که یک مریضشان بر حسب اتفاق سکنه کرد و آمدند اتفاق کردند طیب را کشتند خود این یک وسیله و مقدمه می‌شود از برای مردم عوام و زحمت اطباء، چنانچه خیلی دیده‌ایم از این قبیل و گذشته از این یک راهی به دست مأمورین و عمل می‌دهید که اخذ وجهی از آنها بکنند. اعتقاد من این است که این یک زحمتی را می‌افزاید خوب است بینیم شرایط اجرایش را بعد از شش ماه دیگر در قزوین و همدان و کرمانشاهان یا جای دیگر می‌توانند قبول کنند یا اینکه باید تمام اطباء بیایند اینجا به

تمام شرایط آراسته شوند و برگردند آخر نباید نماینده وزارت معارف حضور داشته باشد که این را قبول کند والا یک قانونی وضع بشود بلا اجراء بماند چه فایده دارد؟ ذکاء الملک: همین قدر محض اطلاع عرض می‌کنم که نماینده وزارت معارف حاضر بودند و این ترتیب را قبول کردند.

رئیس: گویا مذاکرات کافی است؟ (بعضی گفتند کافی است بعضی گفتند کافی نیست) رأی می‌گیریم: آقایانی که مذاکره را کافی می‌دانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) معلوم شد که کافی نیست.

حاج آقا: در این لایحه که در چند جلسه قبل مطرح شده بود و بعد به کمیسیون رفت و برگشت در یکی از مواد او نوشته بود که تصدیق نامه به اشخاصی داده می‌شود که پنج سال طبابت کرده‌اند بعد در یکی از مواد آن می‌نویسد که باید این اشخاص در مدت شش ماه اجاره‌نامه از وزارت معارف داشته باشند تا بتوانند طبابت کنند و در این ماده می‌نویسد که هیچ یک از اطباء نمی‌توانند در ایران مشغول طبابت بشود مگر بعد از تحصیل تصدیق نامه. بنده فقط یک سؤالی دارم از کمیسیون که بعد از شش ماه آیا طبائی که در اطراف ولایات هستند می‌توانند به همان ترتیبی که این جا نوشته شده تصدیق نامه از وزارت معارف بگیرند یا نمی‌توانند؟ بنده تصور می‌کنم که ممکن نباشد در شش ماه تحصیل تصدیق نامه بکنند و آن وقت این ماده که اینجا نوشته‌ایم که بعد از شش ماه هیچ کس نمی‌تواند متصدی امر طبابت باشد الی آخر معنی او این است که در بلاد دور دست این مطلب ممنوع باشد آن وقت اسباب تشاجر بین مأمورین دولت و آن کسانی که مشغول طبابت هستند واقع می‌شود و موفق هم نمی‌شویم به اجرای این قانون و حال این که اول حله که ما این قانون را می‌خواهیم وضع کنیم که این از مراکز شروع بشود و کم کم در بلاد شیوع پیدا کند. بنده تصور می‌کنم که دچار خیلی محظورات بشویم باید این مطلب را ملاحظه کرد که بلاد دوردست ایران که نمی‌توانند بیایند خودشان را معرفی کنند به وزارت معارف چقدر معطلی دارد تا معرفی بشود و معلوم بشود که اینها در مدت چند

سال مشغول طبابت بوده‌اند، خصوصاً که ما رد کردیم که نباید تصدیق بدهند بلکه باید در آن مجلس از مبادی طبی سؤال و جوابی از آنها بشود و امتحان بدهند با این وصف ملاحظه بفرمائید که می‌توان این قانون را جعل و وضع کرد یا این که فقط کتابی است می‌نویسیم و اسباب یک تشاجر بزرگ را در مملکت فراهم می‌کنیم.

حاج شیخ اسدالله: بنده در اساس طب که باید قانون او که وضع می شود عمومیت داشته باشد مخالف نیستم، ولی با این ماده مخالف هستم چه طور مخالف هستم برای این که در این ماده می نویسد که هیچ طبیبی در تمام مملکت هیچ شعبه از شعب طبابت را نمی تواند دایر بکند مگر به این شرط بعد محض خاطر تسهیل امر طبابت در خارج از مرکز می نویسد که در ماده دیگر تا شش ماه می توانند آن اشخاصی که مشغول طبابت بوده اند اجازه نامه از وزارت معارف بگیرند و مشغول طبابت باشند اینجا بنده یک نظری دارم به حال آن اشخاصی که در آبد بلاد و قراء هستند که به هیچ وجه من الوجوه دستشان نمی رسد به تهران، تصور نکنید به بعضی شهرها که از برای آنها همه قسم ممکن است اجازه نامه از مرکز تحصیل بکنند، ولی وقتی که ما نوشتیم بدون اجازه نامه وزارت معارف نمی توانند طبابت بکنند باید تأمل بکنیم ببینیم که این اشخاصی که در دهات و اطراف هستند و همچنین اشخاصی که مشغول طبابت و کحالی هستند و مردم هم محتاج به این اشخاص هستند و همین چشم دردی که در این فصل برای اطفال ضعفا پیدا می شود و چه قدر گرفتار هستند، در حالی که آن شخصی که مشغول اینکار هست چه فوایدی از برای همان اطفال و همان اشخاص هست و خیلی هم نتیجه می بدنند و بسا هست به یک مشقت مبتلا می شوند بدست همان اشخاصی که مشغول هستند رفع می کنند.

دکتر اسمعیل خان: اشتباه می کنید، بنده عرضم را می کنم حالا اگر اشتباه هست باشد بنده نظرم به این مطلب است که باید نوعی باشد که اسباب زحمت مردمان فقیر نباشد اسباب زحمت برای دهاتی نباشد اسباب زحمت برای مردمانی که در اقصی بلاد این مملکت هستند نباشد بالحس می دانم کسانی که می توانند تحصیل اجازه بکنند از وزارت معارف فقط در بعضی از شهرها هستند که آنها از برایشان ممکن ولی از برای بعضی قصبات و دهات دور دست ممکن نیست که طبیب بتواند بفعوری

تحصیل اجازه از وزارت معارف بکند و این یک مطلبی است که خیلی اسباب زحمت خواهد شد و گمان نمی‌کنم به تسهیل این قانون مجری بشود و اگر مجری بشود کمال سختی بر مردم خواهد گذشت. بنده عرض می‌کنم باید طوری این قانون را نوشت که عمومیت داشته باشد، ولی در آخر ماده بنویسید که این قانون به این ترتیب اجراء می‌شود و از مرکز شروع می‌شود، و به همین طور به تدریج مشغول اجراء این قانون بشوند به جهت این که بسا هست که تا مدتی ما نتوانیم موفق با اجراء این قانون بشویم که در آن اقصی بلاد این قانون جاری شود، از این جهت عرض می‌کنم که بنده خودم پیشنهاد نمی‌کنم، زیرا می‌دانم که رد می‌کنید و خود آقای مخبر اگر عرایض بنده را قبول می‌کنند مثل این که بلوچستان از توابع ایران است و شما می‌خواهید این قانون را در آنجا جاری بکنید که هیچ طیبی نتواند آنجا طبابت بکند، مگر آنکه اجازه طبابت داشته باشد چه طور آن طیب می‌تواند اجازه فوری تحصیل بکند و بعد از آنکه نتوانست تحصیل اجازه بکند آن مردمانی که محتاج به او هستند چه حالی خواهند داشت این است که بنده عرض می‌کنم اگر عرایض بنده را قبول می‌فرمائید جمله به این ماده ضمیمه بکنند به این ترتیب که عرض کردم که این قانون تعمیم داده شود به تمام نقاط و از مرکز شروع می‌شود، اگرچه ده سال طول بکشد یا بیست سال طول بکشد یا در بلاد دیگر جاری شود اهمیتی ندارد.

دکتر حاج رضاخان: بنده فقط با همان کلمه آخر که ممالک خارجه است مخالفم

برای این که این لفظ خیلی عام است ما از این لفظ می‌توانیم که دول متمدنه که دارای مشروطیت هستند طبائی که از آنجا می‌آیند بپذیریم، ولی فرض می‌کنیم وقتی که دول خارجه نوشتیم دچار می‌شویم به اینکه دولی که از ایران هم پست ترند یعنی هیچ درس طب در آنجا داده نمی‌شود آن وقت ما مجبوریم که مطابق این ماده قبول کنیم ولو این که خیلی نادر خواهد بود و گمان می‌کنم نشود یک چنین لفظ عامی را که همه قسم ممکن است او را تعمیم داد به آن که دولی که مدرسه طبی دارند و دولی که مدرسه طبی ندارند، یکی محسوب می‌شود.

ذکاء الملک: اینجا نوشته شده است تصدیق نامه و دیپلم دولتی داشته باشد حالا کدام تصدیق نامه دولتی است که صاحب آن کمتر از اشخاصی باشد که هیچ تحصیل طبابت نکرده باشند که ما به آنها اجازه می‌دهیم طبابت بکنند.

دکتر علیخان: در اول این ماده که نوشته شده است اجازه نامه طبابت اضافه که در اول شده است در اینجا هم باید بشود که آن دندانسازی است.

ذکاء الملک: لفظ طبابت را می‌توان بکلی حذف کرد فقط اجازه نامه باشد.

رئیس: دو مرتبه قرائت می‌شود به حذف کلمه طبابت بعد از اجازه نامه.

(مجدداً قرائت شد) رأی می‌گیریم آقایانی که باین ماده دو موافقند قیام نمایند؛

باکثرت (۳۶) رأی تصویب شد، ماده سه.

ماده سه: گیرنده اجازه نامه مبلغ پنج تومان به صندوق وزارت معارف باید

کارسازی نماید.

انتظام الحکماء: بنده عرض می‌کنم این پنج تومان چه پولی است که باید بدهند آن شخصی که دیپلم می‌گیرد یا تصدیق نامه، اگر استعداد دارد و لایق هست که به او می‌دهند اجازه نامه و اگر لایق نیست این پنج تومان راز این بابت می‌دهد بنده نمی‌دانم این چه پولی است آیا جریمه این است که تحصیل کرده‌اند، باید پنج تومان بدهند به وزارت معارف.

ذکاء الملک: آقای انتظام الحکماء گویا مسبوق نیستند که در همه جا وقتی که شخصی تحصیل می‌کند و می‌خواهد دیپلم و اجازه نامه بگیرد یک حقی از او می‌گیرند دلیل اینکه مجاناً به او اجازه نامه بدهند چه چیز است شخصی می‌خواهد مشغول یک کسب و کاری بشود و یک مداخلی ببرد به چه جهت یک جماعتی که اجزاء دولت هستند زحمتی بکشند اجازه نامه به او بدهند و چیزی در اداء او نگیرند، وانگهی پنج تومان یک چیز زیادی نیست بعضی از اعضاء کمیسیون عقیده شان این بود که خیلی زیاده بر این باید گرفته شود.

دکتر حیدر میرزا: وقتی که این ماده نوشته شد برای تهران بود حالا که برای ایران است از برای این که اصلاح کنیم بنده تصور می‌کنم که اصلاح نمی‌شود؛ زیرا طبائی که در تهران هستند تا شش ماه باید اجازه نامه داشته باشند در اطراف هم که ما مفتش و مأمور به خصوصی نداریم در ولایات جزء از برای این که یک اداره طبی فراهم شود و وزارت معارف تهیه کند و طبیب‌های آنجا را به موقع امتحان بیاورند که واقعاً عملکی و امتحانکی داشته یا نداشته یک صعوبت بزرگی دست خواهد داد یک طبیبی که عوض چهار سال طبابت می‌کند چهارده سال است که طبابت کرده این را باید ملاحظه کرد.

دکتر اسمعیل خان: در باب این پنج تومان بنده خیلی تعجب می‌کنم که کمیسیون چطور رأی داده است به پنج تومان در حالی که خود آقایان و اعضای کمیسیون هستند که یک اداره و یک ترتیب دفتر مخصوصی باید در وزارت معارف تهیه شود به اشخاصیکه دیپلم می‌دهند رسیدگی شود و ثبت شود و به موجب پیشنهادی که حالا

خواهم کرد تقاضا می‌کنم که ده تومان نوشته شود.

رئیس: پس شما موافق نبودید.

دکتر اسمعیل خان: موافقم

رئیس: پس چرا تقاضا می‌کنید که ده تومان بشود؟ بعد از این اگر چنین رفتار

بشود اخطار خواهم کرد. آقای وکیل الرعایا مخالف هستید؟

وکیل الرعایا: آقا سید حسین اردبیلی، در اینجا کمیسیون نظراتی را که کرده است بنده صحیح می‌دانم خیلی ترجیح می‌دهم که اینطور نوشته است معمول شود بعضی آقایان که تصویب می‌کنند این مأخذ را زیاد بر این بکنند گویا ملاحظه نمی‌فرمائید که در جاهای دور دست اجازه نامه‌هایی که برای آن اشخاص فرستاده باشد آنجا شاید اطیاشان اینقدر استطاعت نداشته باشند و کمتر از ایشان گرفته شود و پرداختن این وجه به وزارت چندان اشکال ندارد به واسطه اینکه وزارت معارف برای آن کار یک مخارجی دارد و درحقیقت در مقابل این است که یک نوع امتیاز فضلی و

آقا سید حسین اردبیلی: در اینجا کمیسیون نظراتی را که کرده است بنده صحیح می‌دانم خیلی ترجیح می‌دهم که اینطور نوشته است معمول شود بعضی آقایان که تصویب می‌کنند این مأخذ را زیاد بر این بکنند گویا ملاحظه نمی‌فرمائید که در جاهای دور دست اجازه نامه‌هایی که برای آن اشخاص فرستاده باشد آنجا شاید اطیاشان اینقدر استطاعت نداشته باشند و کمتر از ایشان گرفته شود و پرداختن این وجه به وزارت چندان اشکال ندارد به واسطه اینکه وزارت معارف برای آن کار یک مخارجی دارد و درحقیقت در مقابل این است که یک نوع امتیاز فضلی و

اختیار مخصوص به آنها داده میشود که به سایر طبائی که تا کنون فقط عادت یا ارث برده است و تحصیل صحیحی نداشته است می‌باشد و در واقع آنها نمی‌توانند دیگر متصدی طبابت بشوند در مقابل آنهایی که به آن اشخاص رجوع می‌کردند حالا به این شخص که اجازه دارد رجوع می‌کنند و هیچ نباید مضایقه کرد که در مقابل این فوآندی که یک نوع اختصاص پیدا می‌کند یک درجه مختصری که یک دفعه می‌دهد این را به وزارت و عارف داده باشند معلوم است همانطور که آقای مخبر فرمودند یک چیز تازه نیست که این جا معمول شده باشد همه جا معمول بوده است و بنده در تصویب او هیچ تردیدی نمی‌بینم.

رئیس: گویا مذاکرات کافی باشد. اصلاحی آقای سید ابراهیم پیشنهاد کرده‌اند قرائت می‌شود، در قابل توجه بودنش رأی می‌گیریم.

(به عبارت ذیل قرائت شد): بنده پیشنهاد می‌کنم که برای اجازه نامه در مرکز ده تومان و در ولایات پنج تومان داده شود.

حاج سید ابراهیم: عرض می‌کنم که چون برای ترتیب دفتر و زحمات وزارت معارف البته پولی باید گرفت از همان اشخاصی که تحصیل اجازه نامه می‌کنند و رقابت تفاوتی بین طبائی که در مرکز است بین طبائی که در ولایات هستند به جهت این که در ولایات می‌بینم که دخلشان چندان چیزی نیست که تحمیل بکنیم که بیشتر بدهند ولی در تهران هر طیبی که هست اقلش در سال پانصد تومان سیصد تومان از آن طبابت تحصیل می‌کنند پس بهتر این است که این مخارج را که از تحصیل اجازه نامه می‌گیریم و چون دائمی نیست و یک دفعه است ده تومان از آنها گرفته شود که تدارک بکند آنکسی را که اطباء ولایات می‌دهند و بعضی ولایات پنج تومان بدهند چون عایدشان کم است.

رئیس: عقیده کمیسیون چیست؟

ذکاء الملک: یکسان است بهتر است.

رئیس: رأی می‌گیریم به این اصلاح آقایانی که قابل توجه می‌دانند قیام نمایند، رد

شد. پس رأی می‌گیریم به اصل ماده که پنج تومان نوشته شده است. آقایانی که تصویب می‌کنند ورقه سفید خواهند انداخت و آنهایی که تصویب نمی‌کنند ورقه آبی خواهند انداخت. اوراق رأی اخذ شده و آقای حاج میرزارضاخان به طریق ذیل شماره نمود.

ورقه سفید علامت قبول ۴۳ ورقه آبی علامت رد ۸

(تصویب کنندگان: آدینه محمد خان وحید الملک، رکن الممالک، دکتر امیرخان لسان الحکماء، حاج شیخعلی آقاسیدحسین کزازی، آقا میرزا داودخان، آقامیرزا محمد سعید الاطباء، ناصرالاسلام، آقاسیدحسین اردبیلی، دهخدا، آقاسیدمحمد رضا ارباب کیخسرو، افتخار الواعظین، مشیرحضور، آقا شیخ غلامحسین معزز الملک، معین الرعایا، ضیاء الممالک، تربیت نجم آبادی، فرزانه معدل الدوله، حاج سید نصرالله محمد هاشم میرزا اعتصام الملک، بهجت عزیزاده صدرالعلماء، حاج شیخ رئیس، آقا سید محمد رضا، آقا سید حسن مدرس، آقا شیخعلی شیرازی، دکتر لقمان معاضدالسلطنه، دکتر حیدر میرزا ذکاء الملک، آقاشیخ ابراهیم سلیمان، میرزا آقا میرزا قاسم خان)

(رد کنندگان: حاج وکیل الرعایا، انتظام الحکماء، حاج محمد کریمخان لواءالدوله، حاج سید ابراهیم حاج عزالممالک، متین السلطنه، دکتر رضاخان.)
رئیس: باکثرت ۴۳ رأی تصویب شد.
ماده ۴ بعبارت ذیل قرائت شد.

ماده ۴: اشخاصی که هیچ یک از تصدیقنامه های مذکور در ماده ۲ این قانون را ندارند و از تاریخ نشر این قانون از پنج سال کمتر در تهران مشغول طبابت بوده اجازه نامه طبابت به آنها داده نمی‌شود و از دخالت به شغل مزبور ممنوع خواهند بود.
حاج شیخ اسد الله: چون این قانون راجع به تمام مملکت ایران شد دیگر این که نوشته شود (از پنج سال کمتر در تهران) معنی ندارد و در راپورت سابق که این طور نوشته شد برای این بود که این قانون مختص به تهران بوده از این جهت نوشته نشده

که اشخاصی که از پنج سال کمتر در تهران مشغول طبابت بوده‌اند، ولی حالا که به سایر جاها هم عمومیت داده شده است به عقیده بنده باید این لفظ تهران را هم باید از این ماده برداشت یا این که نوشت در تهران و ولایات که اگر در اصفهان هم یک نفر طبیب کمتر از پنج سال طبابت کرده باشد حق طبابت نداشته باشد.

ذکاء الملک: از برای ولایات ملاحظه فرمودید که یک ماده مخصوصی قراردادیم و یک ترتیب خاصی برای آنها اتخاذ کرده‌ایم که اسباب اشکال نشده و آن وقت هم بعضی از آقایان که یکی هم خود آقای حاج شیخ اسدالله بودند و اظهار مخالفت کردند یا این که این قانون به ولایات تعمیم داده شود. حالا نمی‌دانم چه طور شده است که می‌فرمائید در ولایات هم باید محدود بکنیم که اشخاصی که کمتر از پنج سال طبابت کرده باشند ممنوع باشند مقصود تسهیل کار است و این ترتیب را نمی‌شود در ولایات مجری داشت.

حاج وکیل الرعایا: بنده تصور می‌کنم شاید هم اشتباه کرده باشم کسی که مریض باشد و بخواهد معالجه بشود باید به طبیب رجوع بکند، اگر طالب حیات خودش باشد و بنده نمی‌دانم آن کسی که ۵ سال است طبابت کرده است ما تا حالا که رأی نداده و حکم نکرده بودیم به ما ربطی نداشت و شرکتی با آنها نداشتیم یک کار بدی بوده که می‌کردند؛ ولی حالا که می‌خواهیم یک رأی در این موضوع بدهیم چطور می‌توانیم رأی بدهیم که اشخاصی که من غیر حق تا امروز کاری می‌کردند و یک امر نامشروعی را مرتکب می‌شدند امروز هم آن کار بد را که می‌کردند بکنند و خودمان را شریک فعل بد آنها قرار بدهیم بنده که به کلی با این ترتیب مخالفم و این را به هیچ وجه منطقی نمی‌دانم.

ذکاء الملک: در شور اول هم این مذاکرات شد واقعاً خیلی خوب بود، اگر ما می‌توانستیم کاری بکنیم که در تمام این مملکت یا اقلأ در تهران اطباء تحصیل صحیحی بکنند و لکن متأسفانه امروز از عهده این کار بر نمی‌آئیم و اگر بخواهیم این قدر سختی بکنیم مردم خیلی دچار اشکالات می‌شوند وزارت معارف هم در ابتدا

پیشنهاد کرده بود کسانی که کمتر از دو سال طبابت کرده‌اند حق طبابت نداشته باشند کمیسیون یک‌قدری بر سختی افزود و گفت پنج سال باید نوشته شود نظر به این که کمتر از پنج سال را کافی ندانستم که شخص اولاً به واسطه تجربه یک چیزی باید بگیرد آن کسی که پنج سال مشغول طبابت بوده است لابد یک تجربه حاصل کرده است ولو این که چندان درسی هم نخوانده باشد حالا اگر بخواهیم یک ترتیبی غیر از این اتخاذ کنیم باز تولید یک اشکالاتی برای خودمان خواهیم کرد در صورتی که به این ترتیب حالیه یک اندازه جلوگیری از ضرر کرده ایم و یک اندازه مراقبت خودمان را بعمل آورده‌ایم و اینکه می‌فرمائید ما شرکت در جنایت می‌خواهیم بکنیم این طور نیست در واقع ما باین طریق تخفیفی در ارتکاب جنایت می‌دهیم.

رئیس: آقایان مذاکرات را کافی می‌دانند؟ (گفتند کافی است)

رأی می‌گیریم به ماده ۴، آقایانی که موافق هستند قیام نمایند: (اغلب قیام نمودند) به اکثریت ۳۲ رأی از ۶۴ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد.

اولاً تصدیق تحصیل و تلمذ در مطب یکی از اطباء معروف ایرانی مشروط بر آنکه در آن تصدیق نامه ذکر شده باشد که دارند آن لااقل پنج سال بالاستمرار از تلامذه او بوده است.

ثانیاً تصدیق‌نامه اطبا مریضخانه دولتی و آمریکائی.

توضیح تصدیق نامه های مذکور فقط تا چهار ماه بعد از نشر این قانون اعتبار

خواهد داشت و وزارت معارف بر طبق آن اجازه نامه طبابت خواهد داد، بعد از انقضای آن مدت آن تصدیق‌نامه از اعتبار خواهد افتاد و فقط اسناد مذکور در ماده ۲ این قانون برای تحصیل اجازه نامه معتبر خواهد بود.

آقا حسین اردبیلی: اینجا یک نظری بنده در ماده پیش داشتم موقعش نرسید که عرض کنم حالا هم نگذشته است بنده می‌خواستم عرض کنم که تشخیص این را یک شخص پنج سال طبابت کرده است یا ده سال وزارت معارف از کجا خواهد داد تا این که مطمئن بشود با این که این شخص پنج سال کمتر طبابت کرده است یا ده سال طبابت کرده است تشخیص این را می‌خواستم آقای مخبر کمیسیون بفرمایند که به چه ترتیب خواهد شد.

سعید الاطباء: بنده عرض می‌کنم از اینکه در این ماده نوشته شده است که (اشخاصی که دارای هیچ یک از تصدیق نامه های مذکور در ماده ۲ قانون نیستند و بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در تهران طبابت کرده‌اند اجازه نامه طبابت می‌توانند بگیرند مشروط بر اینکه از تاریخ انتشار این قانون تا انقضاء مدت سه سال حاضر شوند که در حضور کمیسیون که بر طبق ماده ۸ این قانون) تا آخر ماده از این عبارت معلوم نمی‌شود که کسانی که اجازه‌نامه و تصدیق‌نامه که ذکر شده است نداشته باشند وقتی که تحصیل بکنند در مطبشان بسته می‌شود یا خیر باین جهت بنده پیشنهاد کرده‌ام که اولاً مدت را که چهار ماه قرار داده‌اند زیاد است، به جهت این که اولاً می‌دانید که اشخاصی که پیش اطباء بزرگ تحصیل می‌کرده‌اند، اولاً این طور نبوده است که یک تحصیل مرتبی بکنند و ثانیاً اگرهم تحصیل کرده باشند اجازه نامه در دست داشته باشند و در این مدت چهار ماه که نوشته شده به اشکال مختلفه می‌توانند تحصیل اجازه بکنند و ثالثاً تصریح کرده‌ام که در مطبشان بسته خواهد شد.

حاج شیخ الرئیس: بنده با این ماده که از کمیسیون به مجلس آمده است کمال موافقت را دارم و خاطر نشان می‌کنم که اگر چه کسانی که اجازه نامه دولتی یعنی از مدرسه علمیه مرکزی خودمان یا از خارجه نداشته باشند، نباید به آنها اجازه طبابت داده شود، ولی آقایان البته این نکته را می‌دانند که اصل علم طب ماده به معنی تجربه است و عادت و بنده چون از علم طب بی‌اطلاع نیستم، می‌توانم عرض کنم که در مقام عمل آن قدر از اهمیت را که می‌دهند آن اهمیت را در مقام علم نمی‌دهند یعنی یک طبیبی که شاید علوم جدید یا قدیمه را درست نمی‌تواند به میزان قانونی و تعلیمات رسمی را درست از عهده برنیاید ممکن است به واسطه نسخه نویسی و ممارست قوه پیدا کند که بتواند از عهده طبابت برآید و همان فوایدی را که از یک طبیب صاحب دیپلم و تصدیق نامه حاصل می‌شود از او بشود استفاده کرد این است که بنده گمان می‌کنم که در این مسئله اطباء متفقند حالا هم شاید آقایان با بنده هم عقیده باشند که با آن ترقیاتی که از برای علم طب حاصل شده است گمان

نمی‌کنم که عده متوفیات ما از زمان بربریت و جاهلیت کمتر شده باشد. دکتر حاج رضاخان: بنده گمان می‌کنم که در این موقع خوب است آقایان یک قدری ملاحظه بکنند که این جا جای ترحم نیست مقام جان است به این عنوانات نمی‌شود این کار را بدست اشخاص بی‌علم داد که طب تجربه است علم نیست، البته باید بدانند که تجربه علم امروز به دست اشخاص نیست به دست مدرسه است و هیئت دولت و امروز هم ما نرسیده‌ایم به جایی که بتوانیم بگوئیم طب را باید به دست اشخاص داد که آنها یکی یکی تجربه بکنند یعنی آن‌قدر آدم بکشند تا این که بعد از ده سال آدم کشتن شاید بتوانند یکی را معالجه بکنند و بعد بنده مخالفم با این که بعد از چهار ماه اجازه از یکی اطباء معروف ایران بگیرند بنده نمی‌فهمم که این معروف یعنی چه و مقصود کمیسیون از این کلمه چه چیز بوده است، برای اینکه اگر خود آنها امتحان بدهند معلوم نیست که اگر صد سال هم در مطب نشسته باشند، ولو اینکه تحصیل کرده باشند بتوانند امتحان بدهند، از این جهت بنده منکر این هستم که یک نفری اگر هم هزار سال عمر داشته باشد و تمام آن مدت را آدم کشته باشد حالا ما اجازه بدهیم که او طبیب باشد هیچ بگوئیم که می‌تواند یک عده دیگری از شاگردهای خودش را بگوید که شما طبیبند و بروید طبابت بکنید این است که این طبیب معروف را تصریح بکنند که مقصود کمیسیون چه چیز بوده است و اگر مقصودشان اینست که اطباء دیپلمه باشند توضیح بفرمائید که معلوم باشد والا باسم معروف خیلی اطباء هستند که خیلی معروف هستند و در واقع طبیب نیستند. رئیس: دیگر مخالفی نیست؟ گویا مذاکرات هم کافی باشد؟ (گفتند کافی است) یک اصلاحی آقای سعید الاطباء پیشنهاد کرده‌اند، قرائت می‌شود، رأی می‌گیریم. (به عبارت ذیل قرائت شد): این بنده پیشنهاد می‌کنم که به جای ماده ۵ این‌طور نوشته شود:

ماده ۵ اشخاصی که بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در تهران طبابت کرده‌اند چنانچه در مدت بعد از تاریخ انتشار این قانون هیچ‌یک از تصدیق‌نامه‌های

مذکور در ماده ۲ این قانون را ارائه ندادند از شغل طبابت ممنوع خواهند بود. اما اگر در مدت سه سال حاضر شدند که در کمیسیون مخصوصی که بر طبق ماده ۸ این قانون که در وزارت معارف منعقد میشود امتحان بدهند و از امتحان خوب بیرون آمدند می توانند مجدداً با اجازه طبابتی که از وزارت معارف به آنها داده خواهد شد به شغل سابق خود اشتغال ورزند ضمیمه اسنادی که برای اجازه طبابت معتبر خواهد بود از این قرار است اولاً تصدیق تحصیل و تلمذ در مطب ثانیاً تصدیق نامه اطباء مریضخانه دولتی و آمریکائی.

توضیح تصدیق نامه های مذکور فقط تا دو ماه بعد از نشر این قانون اعتبار خواهد داشت الی آخر عبارت راپورت کمیسیون.

رئیس: عقیده کمیسیون چه چیز است

ذکاء الملک: این پیشنهادی که شده است به مقصود کمیسیون موافق است فقط در مدت مخالفت دارد تصور می کنم که دو ماه کم باشد و اگر فرجه را این قدر قرار بدهیم شاید اشخاصی باشند که اطلاع پیدا نکنند و نتوانند اجازه نامه تحصیل کنند. سعید الاطباء: اینجا دو مطلب است که بنده مجبورم توضیح بدهم یکی این که از ماده پیشنهادی کمیسیون معلوم نمی شود در مدتی که آنها اجازه یا تصدیق نامه ندارند در مطب آنها بسته می شود یا خیر این است که بنده تصریح کرده ام که در مطلب آنها بسته می شود یا اینکه امتحان بدهند و تصدیق بگیرند و دیگر اینکه مدت چهار ماه را بنده برای تهران زیاد میدانم برای این که اگر دارای اجازه نامه باشند تصور میکنم که در مدت دو ماه می توانند بیابند اجازه نامه خودشان رارائه بدهند باوجود این هم دو ماه یا چهارماه چندان تفاوتی ندارد ولی مقصود بنده از این پیشنهاد مطلب اولی است.

دکتر علیخان: این پیشنهاد آقای سعید الاطباء برای این است که اشخاصی که تصدیق نامه ندارند آیا از ابتدای نشر تاین قانون تا وقتی که آنها را امتحان بکنند و تصدیق نامه بدهند حق طبابت ندارند و این مطلب اگر به خوبی این ماده را ملاحظه

بفرمائید از این ماده مفهوم می‌شود که مجاز نیستند برای این که می‌نویسد. اشخاصی که دارای هیچ‌یک از تصدیق‌نامه‌های مذکور در ماده دوم این قانون نیستند و بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در تهران طبابت کرده‌اند اجازه نامه طبابت می‌توانند بگیرند، مشروط بر اینکه از تاریخ نشر این قانون تا انقضاء مدت سه سال حاضر شوند که در حضور کمیسیون مخصوص که بر طبق ماده هشتم این قانون در وزارت معارف منعقد می‌شود امتحان بدهند ((به عبارت آخری مشروط کرده است این ماده طبابت این قسم از اشخاص را بر این اجازه نامه تحصیل بکنند و تا آن روزی که تصدیق نامه در دستشان نیست موافق این مدلول این ماده حق طبابت ندارند و ممنوع خواهند بود؛ از این جهت این را بنده لازم نمی‌دانم برای این که خود این ماده مقصود را به خوبی می‌فهماند و این هم که می‌فرمائید چهار ماه زیاد است این طور نیست؛ برای اینکه یک مدتی را باید قرار داد که این قسم اشخاص اسنادی را که می‌خواهند فراهم بکنند حاضر بکنند و ارائه بدهند در مدت دو ماه ممکن است که بعضی‌ها نتوانند.

رئیس: رأی می‌گیریم به این اصلاح آقای سعید الاطباء، آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می‌دانند قیام نمایند: (اغلب قیام نکردند) قابل توجه نشد، اصلاحی هم آقای آقا شیخ ابراهیم پیشنهاد کرده‌اند (بعبارت ذیل قرائت شد):

بنده پیشنهاد می‌کنم که فقره (اولاً) ماده پنجم چنین اصلاح شود: اولاً تحصیل و تلمذ در نزد اطباء معروفین تهران پنج سال به شرط این که تصدیق‌نامه از آنها در دست باشند.

رئیس: کمیسیون در این باب چه می‌گوی؟

ذکاء الملک: چون اصلاً این حقی که به این اشخاص داده می‌شود تا یک اندازه نظر به مصلحت وقت است که این کار را کرده‌ایم والّا همانطوری که بعضی از آقایان اظهار کردند و مخالفت فرمودند حق نبود پس بهتر این است حالا که چنین حقی می‌دهیم و یک اندازه تسهیل می‌کنیم تسهیل را خیلی زیاد نکنیم که اگر در

چند جا هم تحصیل کرده‌اند اجازه نامه به آنها داده شود در صورتی که معلوم نیست آنجاهاى مختلف کجاهاست و آن اشخاص مختلف کیها هستند پس بهتر این است يك قدری بیشتر محدود و سخت باشد که اقلأً يك شخصی پیش يك طیب حاذق استمراراً پنج سال تحصیل کرده باشد تا این که تحصیل او بر يك نهج و بر يك سیاق باشد.

رئیس: رأی می‌گیریم باصلاح آقای آفا شیخ ابراهیم، آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می‌دانند قیام نمایند: (اغلب قیام نکردند) قابل توجه نشد. اصلاحی هم آقای آفا سید حسین اردبیلی پیشنهاد کرده‌اند قرائت می‌شود (بعبارت ذیل قرائت شد).
بنده پیشنهاد می‌کنم که (عوض یکی از اطباء معروف ایرانی) نوشته شود (یکی از اطباء صاحب دیلم).

رئیس: عقیده کمیسیون در این خصوص چیست؟

آقا سید حسین اردبیلی: اینجا یک نکته را بنده رعایت کرده‌ام و آن این است که آن یک نفر از اطباء که تصدیقش را وزارت معارف سندیت می‌دهد باید صاحب دیپلم باشد و ایرانی بودن هم شرط نیست برای این که بودن این قید خودش یک نوع تزیینی است چون اطباء معروف ایرانی که صاحب دیپلم باشند خیلی کم است این است که بنده پیشنهاد کرده‌ام که یکی از اطباء صاحب دیپلم اعم از این که اروپائی باشد یا ایرانی حالا اگر قبول می‌فرمائید کلمه ایرانی حذف شود بنده هم پیشنهاد خودم را مسترد می‌دارم.

ذکاء الملک: بنده قبول می‌کنم که کلمه (ایرانی) حذف شود.

آقا سید حسین اردبیلی: بنده هم قسمت آخر پیشنهاد خودم را مسترد می‌دارم.

رئیس: پس ماده پنجم قرائت می‌شود رأی می‌گیریم (ماده پنجم با حذف کلمه (ایرانی) از فقره اول قرائت شد)

ماده (۶) اشخاصی که بیش از ده سال در تهران استمراراً مشغول طبابت بوده‌اند بهر حال حق دارند اجازه نامه طبابت بگیرند.

حاج وکیل الرعایا: بنده آن ایرادی را که در ماده چهارم کردم و طرف توجه نشد هم تکرار می‌کنم عرض می‌کنم اشخاصی که طیب می‌خواهند مقصودشان این است که بعد از خسارت یک سلامتی برای خودشان تحصیل کرده باشند و بنده هیچ نمی‌توانم تصور بکنم که یک نفر هر قدر هم سفیه باشد پول خودش را بدهد و معالجه او خیلی به زحمت بیافتد و شاید هم معالجه نشود و این را هم ملاحظه می‌فرمائید که قبل از اینها یک اشخاصی بوده‌اند که همین قدر مشغول بوده‌اند و این کار را یک کسبی برای خودشان بدست گرفته بودند بدون این که اقلاً یک مقدماتی را تحصیل کرده باشند و حالا تصور نمی‌کنم که ما این قدر مجبور باشیم

که تصویب بکنیم حیات مردم بدست آنها باشد مملکت ما این قدر خالی نیست و هستند اشخاصی که اگر در مملکت متفرق بشوند یک قدری به خوبی می‌توانند ما را از آن قسم اشخاص مستغنی بکنند و باز هم تکرار می‌کنم که از زمان میرزا تقی خان اتابک تا امروز که متجاوز از شصت سال است دارالفنون ما اشخاصی را بیرون داده است برای طبابت که ما می‌توانیم آنها را قسمت بکنیم به تمام مملکت و الا چطور می‌شود که ما بگوئیم چون این شخص ده سال است که این کار را کرده است ولو این که به هیچ چیزی هم مربوط نبوده است حالا هم که سال یازدهم است باشد تفاوت اینجاست که تا به حال که او این کار را می‌کرده است ما شریک در این قول او نبودیم و اما امروز می‌خواهیم رأی بدهیم خودمان را شریک با او قرار داده‌ایم از این جهت بنده نمی‌توانم در این خصوص رأی بدهم.

حاج شیخ رئیس: باید نماینده محترم متوجه این نکته شده باشد که این ماده اگر تصویب شود مجبور نمی‌کند مرضی را که به طبیب غیر حاذق رجوع بکنند، این یک امری است اختیاری و ما به تجربه می‌بینیم در همه شهرها که شاید یک طبیبی دارای اعلا درجه طبابت بوده بلکه رب‌النوع اطباء باشد یک فامیلی و یک خانواده نظر به تجاری که حاصل کرده‌اند به یک طبیبی که سال‌ها باید در مقام علمیت پیش او تلمذ بکند اعتماد دارند و به او رجوع می‌کنند و هیچ مورد اعتراض نیست علاوه بر این بنده عرض می‌کنم که این یک تخفیفی است که بعد از این حاصل خواهد شد، یعنی از حالا این قانون به ما می‌نماید که بعد از این اطباء غیرمجاز نمی‌توانند داخل عمل شوند، ولی طبیبی که تا به حال ده سال است طبابت کرده است ولو به آن نظری که نماینده محترم می‌فرمایند که شاید در این ده سال کار او آدم کشی بوده است، ولی در این مدت ده سال اگر پنج سال آدم کشته است در پنج سال دیگر احیاء کننده بوده است، برای این که یک قسمت از طب تجربه است و این مسئله را اگر حضرت رئیس تصویب می‌فرمایند لازم می‌دانم برای استحضار خاطر آقایان عرض بکنم که در خمسه کتابین هستند که میل می‌زنند به قول اطباء و قدح می‌کنند

و این‌ها یک خانواده‌ای هستند یک وقتی چند نفر از آنها آمدند به اسلامبول چشم نابینا را بینا کردند این بود که آنها را گرفتند و به محبس بردند که تو در کجا تحصیل کرده طبقات چشم چند تا است پیش کی درس خوانده بعد به بنده متوسل شدند بنده به سفیر پیغام کردم و آخر در یک محضری که تمام اطباء جمع شده بودند مدلل کرد و خیلی تماشائی بود گفت من نمی دانم چشم هفت طبقه دارد یا هفتاد طبقه، ولی شما کور بیاورید بینا ببرید و همین طور هم کردند، چند نفر کور را آوردند معالجه کرد و معجز عیسوی از او سرزد. پس این کار نه از این است که شیمی یا کیمی را می داند بلکه از قوت و قدرت برعمل مواظبت در کار است باز هم اگر اصرار می فرمائید بنده قانون شیخ الرئیس را هم برای شما می آورم و ارائه می دهم که می گوید: العلم علمان و عملتان علم علمی و علم عملی!

رئیس: گویا مذاکرات کافی باشد؟ (گفتند کافی است) رأی می گیریم به این ماده لفظ (تهران باید باشد یا اینکه برمی دارید)
ذکاء الملک: لفظ (تهران) باید باشد.

رئیس: رأی می گیریم به ماده شش راپورت کمیسیون آقایانی که این ماده را تصویب می کنند، قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) باکثرت (۳۸) رأی تصویب شد. ماده هفتم خوانده می شود. (به عبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۷) برای آنکه اشخاص مذکور در ماده پنجم و ششم این قانون بوزارت معارف معرفی شده اجازه نامه بگیرند از تاریخ نشر این قانون تا مدت چهار ماه کمیسیونی در وزارت معارف منعقد خواهد بود که اشخاص مزبور بتوانند خودشان را به آن کمیسیون معرفی نمایند و کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود.

اولاً از یک نفر از معلمین طب مدرسه دارالفنون

ثانیاً از یک نفر از اطباء مریضخانه دولتی.

ثالثاً از یک نفر از اطباء مریضخانه آمریکائی.

رابعاً از یک نفر از اطباء معروف ایرانی.

خامساً از دو نفر نماینده وزارت معارف که یکی از آنها رئیس کمیسیون خواهد بود. اشخاص مزبور را وزیر معارف تعیین خواهد نمود.
رئیس: مخالفی هست؟ (اظهاری نشد). مخالفی نیست. رأی می‌گیریم به این ماده هفتم، آقایانی که این ماده را تصویب می‌کنند قیام نمایند: (اغلب قیام نمودند) باکثرت (۳۹) رأی تصویب شد. ماده هشتم خوانده می‌شود (به عبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۸) از تاریخ نشر این قانون تا مدت ۳ سال هر سال دو نوبت در بهار و پائیز یک کمیسیون در وزارت معارف منعقد خواهد شد برای اینکه مطابق ماده پنجم این قانون اشخاصی را که بیش از پنج سال یا کمتر از ده سال در تهران طبابت کرده و هیچ نوع تصدیقی ندارد و خود را به کمیسیون مذکور در ماده قبل معرفی نموده‌اند به معرض امتحان درآورند کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود.

اولاً از معلمین رسمی طبی دار الفنون.

ثانیاً از چهار نفر از اطباء معروف.

ثالثاً از یک نفر نماینده وزارت معارف که رئیس کمیسیون خواهد بود.

تعیین اشخاص مذکور با وزارت معارف است.

رئیس: آقای معزز الملک مخالفید.

معزز الملک: بنده چون در راپورت سابق کمیسیون لفظ (آمریکائی) نوشته شده بود، تصور کردم که در این راپورت هم نوشته‌اند. حالا معلوم می‌شود که حذف کرده‌اند از این جهت عرضی ندارم.

رئیس: دیگر مخالفی هست؟

حاج شیخ اسدالله: مدت انعقاد این انجمن را نمی‌نویسند همین قدر می‌نویسند در

اول بهار و پائیز منعقد می‌شود.

ذکاء الملک: این دیگر جزئیات است و لازم نیست که در تا اینجا معین شود که

چند روز کمیسیون منعقد خواهد شد.

رئیس: رأی می‌گیریم به ماده هشت. آقایانی که ماده ۸ را به ترتیبی که خوانده شد تصویب می‌کنند قیام نمایند: (اغلب قیام نمودند) به اکثریت (۴۹) رأی تصویب شد. ماده ۹ از راپورت جدید قرائت می‌شود (بعبارت ذیل قرائت شد).

ماده (۹) اشخاصی که تا تاریخ نشر این قانون در ولایات مشغول طبابت بوده یا در تهران و ولایات دندانسازی می‌کردند باید بعد از نشر این قانون خود را به وزارت معارف معرفی کرده تحصیل اجازه نامه برای مداومت به شغل مذکور بنمایند، لیکن پس از انقضاء مدت شش ماه در هیچ یک از نقاط ایران به هیچ یک اجازه نامه طبابت و دندانسازی داده نخواهد شد، مگر به موجب اسناد مذکوره در ماده دوم این قانون.

دکتر حاج رضاخان: با اینکه بنده هیچ اجازه نامه غیر از اجازه و دیپلم مدرسه اجازه نامه نمی‌دانم همراهم در این که حالا که این به ولایات تعمیم داده شده است بیایند اجازه نامه از دولت تحصیل بکنند، ولی این عبارتی که در اینجا نوشته شده است اسباب زیاده روی مأمورین خواهد شد، به جهت این که اینجا همین قدر نوشته شده است تحصیل اجازه نامه دیگر تصریح نکرده است که این تحصیل به چه قسم خواهد شد و فقط چیزی که برای رفع این اشکال کافی است گمان می‌کنم این است که به حکومت محل یا نظمیة محل معرفی خود را بکنند برای اینکه امتحان که لازم ندارد این است که بنده تقاضا می‌کنم که کمیسیون عبارتی را طوری بنویسند که تصریح شود که معرفی به حکومت یا نظمیة یا انجمن کافی باشد و جلوگیری از زیاده روی مأمورین خواهد شد و از این گذشته در نقاط نزدیک ممکن است از برای طبیب اشکال داشته باشد که خود را به وزارت معارف معرفی بکنند، چه رسد به این که یک طیبی در اقصی بلاد ایران است خودش را معرفی بکند و تصدیق از برای احراز وزارت معارف صادر بشود.

ذکاء الملک: ملاحظه می‌فرمائید که اینجا هیچ مقید نشده است که آن شخص به چه ترتیب تحصیل اجازه نامه بکند، بلکه همین قدر این ماده می‌گوید که لازم است

وزارت معارف اجازه نامه به او بدهد، حالا چه کار بکند که وزارت معارف این اجازه نامه را به او بدهد این بسته است به یک ترتیبی که وزارت معارف اتخاذ بکند به این که آن شخص برود در حکومت خودش را معرفی بکند و حکومت بنویسد که برای فلان شخص اجازه نامه باید داده شود یا به ترتیب دیگر این مقصود را باید حاصل کند و این قانون هیچ منافی نیست با آن ترتیبی که آقای دکتر حاج رضاخان فرمودند آن در وزارت معارف معین خواهد شد و این قانون به هیچ وجه دست و پای وزارت معارف را نمی بندد و از این که یک ترتیبی برای این کار قرار بدهد و اگر می فرمائید برود در نظمی خودش را معرفی بکند و تصدیق نامه ای در نظمی بگیرد گمان نمی کنم جائز باشد باید اجازه از مرکز و وزارت معارف داده شود اما این که چه طور آن را تحصیل بکند آن را البته ممکن است که برود به نظمی یا حکومت یا به هر طریقی که ممکن است خودش را معرفی بکند و از مرکز اجازه نامه بگیرد و ممکن هم هست که برای ولایات مختلف ترتیبات مختلفی داده شود.

حاج سید ابراهیم: با این بیاناتی که برای تحصیل اجازه نامه شد بنده مدت شش ماه را خیلی کم می دانم به جهت این که تا این قانون بگذرد به بلاد دوردست برسد مسلماً از ششماه بیشتر طول خواهد کشید؛ از این جهت بنده تقاضا می کنم که مدت یک سال را قرار بدهند.

حاج آقا: بنده گمان می کنم که اشتباه شده است. تصور می کنند تحصیل اجازه نامه محدود به ششماه است و حآنکه بنده گمان می کنم که مواد کمیسیون این باشد که طلب اجازه و استجازه در مدت شش ماه باید باشد نه حصول اجازه و در این مدت هم از اقصی بلاد ایران ممکن است طلب اجازه بشود و وزارت معارف بر حسب وظیفه خودش تحقیقاتی را که باید بکند بنماید اجازه بدهد، ولی بعد از شش ماه اگر یک طبیب جدیدی بخواهد استجازه بکند، نباید داده شود.

ذکاء الملک: مقصود کمیسیون این نبود که آقای حاج آقا فرمودند مقصود کمیسیون این بود که از تاریخ نشر این قانون تا شش ماه اشخاصی که طبابت می کنند

در ولایت و تصدیق‌نامه ندارند، وزارت معارف به آنها اجازه بدهد و الا به موجب یک ماده دیگری که نوشته شده است اگر آقایان ملاحظه بفرمایند وزارت داخله بعد از شش ماه مأموریت خواهد داشت که آنها را از طبابت ممنوع بکند حالا اگر نظر آقایان به این است که شش ماه کم است کمیسیون هم در این باب مخالفت ندارد و ممکن است واقعاً برای بعضی بلاد دوردست هم اسباب زحمت باشد و نتوانند در مدت شش ماه تحصیل اجازه بکنند و اگر بخواهند مدت از این اندازه زیاد تر باشد کمیسیون هم موافقت خواهد کرد.

لواء الدوله: بنده اول هم عرض کردم زمانیکه پیغمبر اکرم (ص) علم ابدان را با علم ادیان برابر می‌کند و بعد علم ابدان را بر علم ادیان مقدم میدارد و معلوم می‌شود که این علم خیلی اهمیت دارد و باید خیلی در آن دقت بکنیم، نه این که به طبیعی که ده سال است طبابت کرده است و مرض را به صحت ابدی رسانیده است، برای این که ده سال است طبابت کرده است اجازه داده شود و حالا که قرار داده‌اند هرکسی که در ولایات مشغول طبابت بوده است، به او اجازه داده شود، بنده عرض می‌کنم که شش ماه خیلی کم است برای اینکه ما می‌بینیم که بیست ماه است مجلس افتتاح شده است و به ولایات اطلاع داده‌اند که و کلاهی خودشان را بفرستند و هنوز سی و چهل نفر کسر داریم و در این صورت که مردم از اطباء فرار می‌کنند. چه طور می‌شود در مدت شش ماه بیایند اجازه بگیرند.

رئیس: گویا مذاکرات کافی باشد؟ (گفتند کافی است) یک فقره اصلاح پیشنهاد شده است، قرائت می‌شود: (بترتیب ذیل از طرف آقای حاج شیخ اسدالله قرائت شد). بنده پیشنهاد می‌کنم که تا مدت یک سال اجازه نامه تحصیل نمایند.

رئیس: در این پیشنهاد چه می‌فرمائید؟

ذکاء الملک: ترتیب تهران که در مورد سابق گذشت این برای ولایات است و در ولایات هم یک سال باشد بهتر است.

آقا محمد بروجردی: اینجا هم مثل ماده چهارم می‌خواستم عرض بکنم که لفظ

(مداومت) یک اندازه ترخیص در کار می‌دهد از این جهت خوب است لفظ (مداومت به شغل) را (دخالت بشغل) قرار بدهند که رفع اشکال بشود. ذکاء الملک اینجا مثل ماده چهارم نیست بلکه مقصود در اینجا این است که همانطور که طبابت می‌کرده است حالا هم مداومت می‌کند ولی باید با اجازه وزارت معارف باشد.

رئیس: کمیسیون قبول می‌کند که مدت یک سال بشود. از این جهت ماده نهم که اصلاح شده است قرائت می‌شود فرآی می‌گیریم (به عبارت ذیل قرائت شد):
ماده (۹) اشخاصی که تا تاریخ نشر این قانون در ولایات مشغول طبابت بوده‌اند باید تا یک سال بعد از نشر این قانون خود را به وزارت معارف معرفی کرده تحصیل اجازه نامه برای مداومت بنمایند، لکن پس از انقضاء مدت شش ماه در هیچ یک از نقاط مملکت ایران به هیچ کس اجازه نامه داده نخواهد شد، مگر به موجب اسناد مذکوره در ماده دوم این قانون.

رئیس: رأی می‌گیریم به این ماده نهم به ترتیبی که قرائت شد آقایانی که موافقت قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند) باکثرت (۴۹) رأی تصویب شد. بقیه شور این قانون اگر مخالفی نباشد بماند برای جلسه آتیه (اظهار شد مخالفی نیست)
صورت مذاکرات یوم پنجشنبه

3 شهرجمادی الثانیه ۱۳۲۹ (۱۰ خرداد ۱۳۹۰ خورشیدی)

مجلس سه ساعت و چهل دقیقه قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح و در سه ساعت و ربع از غروب رسماً تشکیل گردیده صورت مجلس روز سه شنبه غره قرائت گردید.

چون در بعضی از موارد قانون تجدید طبابت نظریات مهمه است و از کمیسیون صحنه مجلس شورای ملی هم نگذشته در صورتی که این کمیسیون خصوصاً می‌بایستی عقاید خود را در این لایحه به مجلس مقدس عرضه می‌داشت؛ لهذا این بنده تقاضا می‌نماید که این لایحه را به آنجا رجوع فرموده با حضور وزارت داخله و وزارت معارف مذاکرات لازمه به عمل آورده و نظریات خود را ضمیمه کرده تقدیم مجلس شورای ملی نماید (امضاء کنندگان دکتر حیدر میرزا رئیس کمیسیون با ۱۶ نفر دیگر از نمایندگان).

دکتر علیخان: این پیشنهادی که شده است بنده هیچ ملتفت نمی‌شوم که از روی چه موضوع و از روی چه قاعده است یک لایحه از طرف وزارت علوم پیشنهاد مجلس شده است و مدت‌ها است در دست نمایندگان بوده است و آنچه نظریات و مطالعات در آن لازم بوده است بنظر بنده کرده‌اند. بعد از آنکه از کمیسیون راپورت او داده شده است آقایان نمایندگان هم ملاحظاتی و مطالعاتی که می‌بایستی بکنند کرده‌اند و آنچه هم باید اول مذاکره بشود شده است و بعد هم یک مدتی گذشته است تا رسیده است به شور دوم چند ماده او هم گذشته است و حالا بعد از این همه مدت و مذاکرات اظهار کرد که بعضی نظریات در اینجا هست باید بشود بنده هیچ نمی‌فهمم که معنی این چیست و اگر این طور باشد ممکن است که هر قانونی سه سال در مجلس بماند برای این که شور دویمش که تمام شد چند نفر تقاضا کنند که بعضی نظریات هست و باید مجدداً در این قانون آن نظریات بشود البته کمیسیون وقتی که این قانون را مطالعه میکرد به همه آقایانی که در این خصوص لازم بود اطلاعات داده شد و حال آنکه لازم نبود بجهت این که در مجلس همیشه گفته می‌شود که راپورت کدام کمیسیون به مجلس خواهد آمد و خود آنها بدون اطلاع مخصوصی می‌توانستند که به کمیسیون معارف تشریف بیاورند و هرگونه نظریاتی داشته باشند بفرمایند و تمام کمیسیون معارف یعنی آنچه را که صحیح بود قبول

می‌کرد و کمیسیون هم هیچ وقت مذاکراتی نمی‌کنند با حضور وزراء یا معاونین آنها تا نظریات آنها را نیند راپورتی نمی‌دهد قبل از نظریات وزراء بعد از این همه مذاقه و مدتی که طول کشیده است و حالا تقریباً این یکی از قانون‌های صحیحی است که از برای وزارت معارف می‌خواهد بگذرد و نباید باین ترتیبی که هیچ صحیح نیست مانع شد و کمیسیون صحیه را هم که فرمودند کمیسیون صحیه برای خاطر یک مطلب به تقاضای آقای دکتر امیرخان منعقد شد و بعد هم منحل شد دیگر کمیسیون باقی نیست که به کمیسیون برود و بر فرض هم بخواهند آن کمیسیون را مجدداً منعقد بکنند اعضاء آن همان اشخاص خواهند بود که در کمیسیون معارف بوده‌اند و در خارج هم در این قانون نظر کرده‌اند بنده ابدأ صلاح نمیدانم این قانون باین ترتیب برگردد و در واقع توقیف بشود، وقتی که رفت دیگر معلوم نیست که کی خواهد آمد به مجلس.

آقا میرزا ابراهیم خان: یکی از امضاء کنندگان این پیشنهاد بنده بودم و البته نظریاتی داشتم که تقاضای حضرت و الا دکتر حیدر میرزا را همراهی کردم و بنده به کلی مخالف بودم با عنوان قانون تجدید طبابت مثل این که از اول هم در هیچ ماده از موادش رأی ندادم و حالا این موقع را غنیمت می‌شمارم که با اجازه مقام ریاست این عرض را کرده باشم مانباید همینقدر دل خوش باشیم بر اینکه فصولی چند به اسم مواد بی معنی قانون از مجلس بیرون داده باشیم ما باید بدانیم که آیا این قانون در خارج از مجلس پیشرفت دارد یا ندارد و عنوان آن صلاحیت دارد یا ندارد در ماده دوم این قانون می‌گوید کسانی که پنج سال الی ده سال طبابت کرده باشند نمی‌توان به آنها اجازه طبابت داد مگر:

رئیس: این قدر تفصیل لازم نیست برای اینکه در خود این قانون حرفی نیست در این پیشنهاد است که این قانون برود به میسیون یا نرود.

آقا میرزا ابراهیم خان: این طور که می‌فرمائید بنده همین قدر عرض می‌کنم که با این قانون مخالفم و با توقیفش موافق دیگر از این مختصرتر چه عرض کنم.

وحید الملک: از دلیلی که برای تأیید این پیشنها دعرض شد بنده هیچ قانع نشدم چنانچه آقای دکتر امیرخان گفتند کمیسیون صحیه یک کمیسیون دائمی نبود کمیسویی بود که از برای یک کارمعینی وشخصی منعقد شد بعد از گذشتن آن کار منحل شد و بنده آن را کمیسیون رسمی که در نظا کمنامه قید شده باشد نمی دانم و بنده نمی دانم چه کمیسویی از برای حل یک چنین مسئله بهتر از کمیسیون معارف خواهد بود و برای این گونه امور انتخاب شده است و این قانون قریب یک سال است که در کمیسیون مصارف بوده و تقریباً وزارت معارف پی در پی که تجدید شده است در این نظریات خودشان را کرده اند و بعد از آن نظریات به مجلس آمده است و بنده هیچ ضرری نمی بینم یک قانونی که علمی و برای مملکت لازم است بیاید به مجلس پس از مذاقه زیاد بگذرد نباید به میلی بعد از تنقیدات لازمه نگذرد که منافع بزرگی راجع به صحیه عموم نشود.

رئیس: گمان میکنم که مذاکرات بیش از این در این خصوص لازم نباشد.

دکتر حیدر میرزا: اجازه بفرمائید نظریات خودم را عرض کنم.

رئیس: بفرمائید.

دکتر حیدر میرزا: سه نظر اینجا هست که این فرق کرده است یکی آنکه وزارت معارف این قانون را راجع به تهران خواسته بودند ابتداء حالا برگشته است راجع به عموم ایران و دیگر آنکه در میان طبیبی ایرانی و فرنگی که ما هر دو را استعمال می کنیم حدودی معین نکرده است که تکلیف اطباء ایرانی و طب ایرانی چیست گذشته از این که وزارت معارف قبول کند این قانون را می خواهیم وزارت داخله که مجری است این را قبول میکند آیا نظریات قبول خودش را به این ترتیب اظهار کرده است یا خیر ما برای این که هم تکلیف طب ایرانی و فرنگی معلوم شود و هم وزارت داخله نظریات خودش را بگوید و میتواند طبیبی که در ایران معمول بوده است حالا تحدید شده و در تهران ابتداء منظور بوده حالا بتمام ولایات تعمیم داده شده است اجرا نماید این تقاضا را کردیم که باین نظریات برگردد به مجلس و هر

طور که مجلس رأی می دهد بگذرد.

رئیس: رأی می گیریم باین پیشنهاد آقای دکتر حیدر میرزا و پانزده نفر دیگر که تقاضا کرده اند.

دکتر حیدر میرزا: اجازه بفرمائید کمیسیون صحیه منعقد شود، هر چه طیب هست در آنجا حاضر شوند برای مذاکره (زنگ زده شد).

رئیس: بگذارید بنده مطلب را بگویم تمام که شد آن وقت اجازه بخواهید نطق کنید، بی اجازه چرا؟ حالاً رأی میگیریم باین تقاضایی که شده آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند: (تصویب نشد) ماده دهم قرائت می شود.

(ماده دهم به عبارت ذیل قرائت شد.)

ماده ۱۰ هر کس برخلاف مقررات مواد فوق به شغل طبابت مشغول شود در نوبت اول منع می شود و در نوبت دوم چهارماه حبس و در نوبت سوم یکسال محبوس خواهد شد.

دکتر حیدر میرزا: بنده عرضم در این ماده نبود آنجا که امضاء کرده ام در کلی است و در تمام این مواد عرض دارم.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی: این که نوشته اند در نوبت اول منع می شود این را نفهمیدم منع که به موجب این قانون شده است دیگر منع می شود یعنی چه منع که مجازات نیست باید یک چیزی باشد قانون خودش منع است.

ذکاء الملک: مقصود این است که نمی گذارند طبابت بکنند یعنی یک شخصی محکمه باز کرده است بدون اینکه رعایت مواد این قانون را کرده باشد دولت همین که ملتفت شد فوراً درباره او یک مجازاتی اجراء نمی کند می روند به او می گویند که نباید طبابت بکنید مگر اینکه اجازه نامه از دولت داشته باشید مطب او را می بندند شاید کسی بوده است که واقعاً اطلاع نداشته است چون اسباب انتشار قانون در مملکت ما به آن سهولت که در سایر جاها می شود نیست. شاید آن شخص بدون قصد مخالفت عمدی مطب باز کرده باشد مقصود این است که سختی زیاد نکرده

باشیم و اطباء چون مردمان محترمی هستند، فوراً به محض این که یک حرکت خلافی کردند نباستی آنها را مجازات کنیم اول منع می‌کنیم بعد از منع اگر دوباره دیدیم که همان خلاف را کرد معلوم می‌شود که متعمد و سرکش است آن وقت مجازات می‌شود.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی: باز آنچه من عرض کردم جواب داده نشد. منع می‌شود یعنی چه؟ یعنی دولت می‌گوید که این کار رانکن این قانون که وضع شد بالطبع منع می‌کند. پس این اختارات بنویسند اختار می‌شود یا چیزی دیگر والا منع می‌شود منع که شده به موجب این قانون.

مخبرک اگر کلمه منع را کافی نمی‌دانید، هر کلمه دیگر که پیشنهاد می‌کنید، قبول داریم.

رئیس: برای این که معطل نشویم ماده ۱۱ را می‌خوانیم بعد در ماده دهم که پیشنهاد شد رای می‌گیریم:

ماده ۱۱. در اول هر سال صورت اسامی اشخاصی که اجازه نامه طبابت به آنها داده شده است با موجبات حصول اجازه نامه بتوسط وزارت داخله اعلام خواهد شد.

رئیس: مخالفی نیست؟ رای می‌گیریم به این ماده که در راپورت اولی ماده ۹ بود حالا ماده ۱۱ شده است، آقایانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نکردند).

رئیس: تصویب نشد (بعضی اظهار کردند که ملتفت نشدیم).

ذکاء الملک: بنده نمی‌دانم که علت تصویب نشدن این ماده چه بود؟ چه مخالفتی داشتند با این که هر ساله اشخاصی که اجازه نامه می‌گیرند اسامی آنها اعلام شود که مردم بدانند.

رئیس: علت را لازم نیست بدانید، رای گرفتیم رد شد.

ماده ۱۲: بعد از انتشار این قانون هیچ طبیبی برای امور صحیحه و زبیه در ادارات دولتی استخدام و اجیر نخواهد شد، مگر اینکه به موجب اسناد مذکور در ماده دوم دارای اجازه نامه طبابت باشد.

رئیس: مخالفی نیست؟ (مخالفی نبود) رأی می‌گیریم به این ماده ۱۲ آقایانی که تصویب می‌کنند قیام نمایند (با اکثریت ۵۶ رأی تصویب شد) ماده ۱۳ قرائت می‌شود.

ماده ۱۳ نسخه رمز کلیا ممنوع است و هر طیبی که نسخه رمز بدهد مجازات او چهار ماه حبس خواهد بود.

توصیح: نسخه رمز عبارت از نسخه‌هایی است که تمام دواخانه‌ها نتوانند اسم دوا یا مقدار آن را بفهمند.

محمد هاشم میرزا: این عبارت واضح به مقصود نیست، به جهت این که نوشته است نسخه‌های رمز نسخه‌هایی است که تمام دواخانه‌ها نفهمند ملاحظه طهران را نباید بکنیم، باید جاها دیگر را هم ملاحظه کنند؛ زیرا بعضی دواخانه‌ها نسخه خط فرانسه را هم نمی‌توانند بخوانند. حال آنکه فرانسه نوشتن معلوم نیست که رمز باشد و حال این که نوشته است تمام دواخانه‌ها نتوانند بهمند عرض می‌کنم این برای تمام دواخانه‌ها اشکال خواهد شد، طوری نوشته شود که بفهماند که خطوط غیر فارسی یا اوزان غیر مثال بنویسند که اسباب اشکال نشود، که اسباب زحمت برای اطباء نشود. مخبر: نسخه اگر رمز نباشد همان طور که فرمدمد یا فارسی یا یکی از زبانهای متداوله، اگر فارسی است که البته همه دواخانه‌ها می‌خوانند، اگر هم فرانسه است دواخانه مکلف است در صورتی که دولت نسخه فرانسه را قبول داشته باشد که بفهمد، مگر این که رمز باشد و بعضی اطباء هستند که نسخه رمز را معمول می‌دارند. حال مقصودشان از این که نسخه رمز می‌دهند چیست؟ مقاصد مختلفه شاید داشته باشند و ممکن است که مقصودشان این باشد که یک دواخانه مخصوصی بتواند این نسخه را بخواند که یا خود طیب معاهده داشته باشد و سایر دواخانه‌ها نتوانند آن نسخه را بدهند و آن دواخانه مخصوص هر طور میل دارد با مشتری رفتار کند و این مسلم است که باید ممنوع باشد. گویا نماینده محترم هم مخالفت ندارند، ولی یقیناً نسخه که رمز می‌باشد همه دواخانه‌ها می‌فهمند مگر دواخانه قاصر باشد و چنین

دواخانه باید از طرف دولت از دواسازی ممنوع بشود، چنانچه یک قانونی هم در خصوص دواسازی در کمیسیون هست و عن قریب به مجلس خواهد آمد.

دکتر حیدر میرزا: عرض می‌کنم این عبارت چنین می‌فهماند وقتی که یک دواخانه این را خواند این ایراد مرتفع می‌شود، پس خوب است یک طوری بنویسند که بهتر باشد شاید دواخانه مخصوصی باشد که بفهمد، کافی نیست باید تمام دواخانه‌ها بفهمند والا این حکم ظاهرش مرتفع می‌شود.

دکتر علی خان: گمان می‌کنم که این عبارت خوب مطلب را بفهماند. نوشته است که رمز نسخه ای است که تمام دواخانه‌ها نتوانند بفهمند، که اگر بروند نزد یکی که تا فهمیدند کافی نیست. سایرین می‌گویند ما نمی‌فهمیم. این معلوم می‌شود که باید تمام دواخانه‌ها، عنی هر دواخانه‌ای که این نسخه را ببرند پهلوی او بفهمد. این دیگر کفایت می‌کند و عبارت دیگری لازم نیست.

محمد هاشم میرزا: عرض بنده سوء تفاهم شده است. بنده با ماده مخالفتی نداشتم که چرا رمز نوشته شده، بله، اگر یک قانونی همانطور که فرمودند که در کدام وقت دولت اجازه می‌دهد که دواخانه باز کنند، آن وقت درست است. ولی با این که هیچ ترتیبی نیست این عبارت را اگر بخواهند قید کنند که باید تمام دواخانه‌ها بفهمند در این صورت می‌بینیم اغلب دواخانه‌ها که لیاقت برای دوا فروشی ندارند، اوزان را کاملاً می‌دانند، نه این که نسخه را که غیر فارسی باشد می‌فهمند، به خصوص که اگر فارسی هم نوشته شود، نمی‌دانند مگر آن که قید شود، اینجا که تمام آنها بفهمند اگر آنها تصریح بشود، بنده تصدیق دارم، والا مجرد این عبارت که نوشته شده است بنده کافی نمی‌دانم.

مخبر: همین طور که عرض کردم قانون دواسازی همین چند روزه به مجلس می‌آید و این راجع به دواسازی است.

رئیس: گویا مذاکرات کافی است؟ (گفتند کافی است) رأی می‌گیریم به این ماده ۱۳. آقایی که موافقند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس: با اکثریت ۵۷ رای تصویب شد.

ماده ۱۴: وزارت داخله مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون را از ۴ ماه بعد از نشر آن در طهران و از ۶ ماه بعد از نشر آن در ولایات به موقع اجرا گذاشته شود.

ذکاء الملک: عرض می‌کنم که باید آن شش ماه را یک سال نوشت به موجب رای که سابق داده شده است.

رئیس: مجدداً با تبدیل شش ماه به یک سال قرائت می‌شود. رای می‌گیریم. (ماده ۱۴ مجدداً به عبارت ذیل قرائت شد):

ماده ۱۴: وزارت داخله مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون را از ۴ ماه بعد از نشر آن در طهران و از یک سال بعد از نشر آن در ولایات به موقع اجرا گذاشته شود.

رئیس: رای می‌گیریم، آقایانی که ماده ۱۴ را به طوری که قرائت شد تصویب می‌نمایند قیام نمایند: (اغلب قیام نمودند).

رئیس: به اکثیت ۵۶ تصویب شد، حالا مذاکره در کلیات است.

آقا شیخ ابراهیم: ماده دهم مانده است و بنده پیشنهادی کردم.

رئیس: بله صحیح است. پیشنهاد آقای زنجانی قرائت می‌شود (به عبارت ذیل قرائت شد):

بنده پیشنهاد می‌کنم عبارت ماده ۱۰ چنین اصلاح شود: در نوبت با اخطار شود.

رئیس: عقیده کمیسیون در این باب چیست؟

مخبر: این اصلاح را که نوبت اول اخطار شود، کمیسیون قبول دارد.

رئیس: پس ماده ۱۰ با این اصلاح قرائت می‌شود (به عبارت ذیل قرائت شد):

ماده ۱۰: هر کسی بر خلاف مقررات مواد فوق به شغل طبابت مشغول شود در نوبت اول به او اخطار می‌شود و در نوبت دوم چهار ماه محبوس و در نوبت سوم یک سال محبوس خواهد شد.

رئیس: رای می‌گیریم به ماده ۱۰ به طوری که قرائت شد. آقایانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس: به اکثریت ۵۷ رای تصویب شد. ماده ۱۱ را چه کرد؟ اگر کمیسیون صلاح می‌داند، طور دیگر پیشنهاد کند.

مخبر: حالا که تصویب نکردند این ماده را باشد دولت هر وقت لازم دانست البته اسامی را اعلان خواهد کرد و محتاج به قانون نیست.

رئیس: حالا مذاکرات در کلیات است.

دکتر حیدر میرزا: بنده از ابتدا هیچ وقت مخالفت با قانون طبابت و تحدید آن نکرده و نمی‌کنم. البته باید قانون باشد که به توسط آن قانون اطبا داناتر و بصیرت و عالم تر بشوند. ولی به این ترتیبی که لایحه وزیر معارف را دیدم که دو - سه ماده او تغییر داده شده و اجرایش را مشکل می‌دانم. یعنی قابل اجرا نیست. از این جهت ابتدا به این نظر مخالفت کردم والا مخالفت با لایحه ندارم. به هیچ وجه من الوجوه از این جهت عرض می‌کنم مثلاً نوشته است مطلقاً در ایران، طهران را بدل کرده‌اند به ایران آن هم بعد از شش ماه یا یک سال دیگر، این گونه می‌شود در سایر ولایات که طبیب هایش از اینجا می‌روند و در آنجا مجمعی نیست که تمیز و تشخیص بدهند که آیا قابل هستند یا نیستند، مگر آنکه آنها از حکومت محل یک تصدیقی بگیرند و بفرستند به وزارت معارف و یک پنج تومانی بدهند، تصدیق نامه بگیرند. اگر این طور است به این طور نمی‌شود جلوگیری کرد و این که سهولت داده شده است به این، زیرا ممکن است به آن اخلاقی که عادت کرده‌اند صد مهر پای یک ورقه بزنند که این شخص دو سال طبابت کرده پانزده سال بنویسند آن وقت وزارت معارف هم مجبور است که پنج تومان بگیرد و تصدیق بدهد و این کار را که می‌خواهند رو به بهتر ببرند، این طور بدتر می‌شود؛ از این جهت بنده با این که به تمام ولایات تعمیم داده شود مخالفم و عرض می‌کنم که ابتدا باید در تهران این شرایط به عمل بیاید و بعد در سایر ولایات شروع شود و به همین ترتیب اسباب تکمیل

لوازمات این کار بشود و در خود تهران یک ایراد دارم آن چه در لایحه وزیر نوشته است از پنج سال به بالا تا ده سال اشخاصی که طبابت کرده‌اند مجاز هستند به طبابت، به شرط آنکه در مدت سه سال سالی سه مرتبه بیایند امتحان بدهند به ترتیبی که معین است و همان ترتیب را نوشته‌اند و حال آن که این عبارت آن مقصود را توضیح نمی‌کند که میانه پنج سال الی ده سال باشد گذشته از اینها اشخاصی که به اطباء ایرانی مداوا می‌کنند، ادویه فرنگی را استعمال می‌کنند، در حدود اینها چگونه می‌شود این کار را کرد و آنها تحصیلی که کرده‌اند، تمام شرح نفیس است و شرح اسباب در قانون شیخ الرئیس و اینها را به هیچ وجه من الوجوه قبول نخواهد کرد، بالفرض هم اگر ادعا می‌کنند به طب فرنگی فردا خواهند گفت ده قلم دوی فرنگی را بیشتر استعمال نمی‌کنیم و اصلاً نسخه‌ای ما دواهای ایرانی است از این جهت بنده اشکال کلی در پیشرفت اجرای این قانون می‌بینم.

مخبر: اما در این که تعمیم این قانون را در ولایات می‌فرمایند اسباب اشکال است و زیاد تجدید شده است، غیر از این چاره نیست، هر وقت دولت بخواهد یک قانونی از برای تجدید طبابت بنویسد چاره جز این ندارد که بگوید تا امروز کسانی که طبابت کرده‌اند بکنند، و لکن از امروز به بعد کسی حق طبابت کردن ندارد، مگر این که تحصیل کرده و اجازه نامه داشته باشد به این ملاحظه در ولایات می‌گوئیم که این قانون را باید تعمیم داد منتهی این است که چون امر طبابت یک امر مهمی است راجع به نفوس مردم است در تهران می‌توانیم بعضی شرایطی هم قرار بدهیم که اطباء تهران به صحت نزدیک‌تر باشند و اگر در تهران هم آن محذور ولایات بود مجبور بودیم که آنطور رفتار بکنیم و این از این جهت به بعد بخواهد طبابت بکند حق ندارد مگر بعد از آنکه تحصیل اجازه نامه از دولت بکند و اما در خصوص طب ایرانی و فرنگی نباید گفت منتهی اینکه سابقاً از روی کتب مخصوص اطباء ما درس می‌خواندند بعد از این هم از روی آن کتابها درس خواهند خواند هم از روی کتابهای دیگر و به این ترتیب مسلم است که معلوماتشان زیادتر خواهد شد و در

مملکت طب و طبیب آن است که دولت تصدیق کرده باشد هر کسی را که دولت تصدیق کرده آن طبیب است اعم از اینکه طب فرنگی خوانده باشد یا ایرانی مجاز است حال البته بعد از این دولت تصدیق نخواهند کرد تحصیل کسی را مگر در صورتی که طب فرنگی کرده باشند اگر لازم میدانند که طب تحصیلات ایرانی هم کرده باشد یقیناً در مدارس قرار می‌گذارند که طب ایرانی هم تدریس بشود و اگر لازم ندانست منحصر می‌کند به طب فرنگی و طب ایرانی را متروک می‌کند، در هر حال این باعث این نمی‌شود که تمیزی بین طب ایرانی و فرنگی قرار بدهیم دولت یک طب می‌شناسد و یک طبیب حالا آن طبیب چه طبی بخواند مطلب دیگری است، مثلاً شاید امروز رأی دولت این باشد که هم قانون شیخ‌الرئیس بخوانند هم طب فرنگی یا شاید دولت یعنی آن اشخاصی که بصیرت دارند از طرف دولت بگویند که ما به طب ایرانی به هیچ‌وجه محتاج نیستیم طب جدید کافی است و هرطیبی که طب فرنگی خوانده باشد مجاز است و اگر طب ایرانی خوانده باشد مجاز نیست در این باب ما هیچ محتاج به این مذاکرات نیستیم بسته بنظر دولت است و در قانون لازم نیست چیزی در این خصوص ذکر شود.

رئیس: آقای حاج سید ابراهیم مخالف هستید بفرمائید.

حاج سید ابراهیم: بنده در کلیه این قانون اساساً در تجدید اطباء مخالف نیستم، ولی چون لایحه وزیر اختصاص طبابت داشت و راپورت کمیسیون شامل دندانسازی هم میشود و چون مسلماً ضرر کمال بی وقوف بیش از طبیب بی وقوف است.

رئیس: صبر کنید شما که مخالف هستید یک چیزی پیشنهاد کردید راجع به یک جائی و ماده اول جواب این پیشنهاد را می‌دهد که به آن ترتیب رفت به کمیسیون و آمد دیگر لزوم ندارد اظهار سرکار را. آقای لسان‌الحکماء مواد الحاقیه پیشنهاد کرده‌اید حالا که موقعش نیست و در کلیات حرفی دارید بفرمائید.

لسان‌الحکماء: بنده عقیده‌ام اینست که برای اجرای هر قانونی نظر هیئت وزراء اول شرط است مخصوصاً نظر وزیر داخله در اجرای قانون مملکتی خیلی اهمیت دارد و

این جا بنده در مذاکرات مخبر کمیسیون چنین شنیدم که فقط وزیر معارف با معاون وزارت معارف تشریف داشتند و اگر وزیر داخله تشریف نداشته‌اند و نظریات خودشان را نکرده باشند و مستحضر نیستند بنده پیشنهاد می‌کنم که رأی کلی را موکول بکنند به این که وزیر داخله از این قانون مستحضر بشود و بعد رأی کلی را بگیرند.

آقا شیخ ابراهیم: اصل نظر در این قانون بر این است که دولت بشناسد اشخاصی را که در مملکت حق دارند طبابت بکنند که هر روز یک کسی برنخیزد طبابت بکند که دولت با او حرفی نداشته باشد و مؤاخذه نتواند بکند که تو چرا آدم کشتی؟ چرا دوا دادی، مقصود این است که در هر ولایت بدانند که اذن بدهد ولو این که اشخاصی که خیلی بدهند آنها را هم اذن بدهد، لکن بشناسد و صحیح است بدانند در فلان شهر چند نفر و در فلان ده چند نفر را اجازه داده و به آنها بگوید شما مسئول هستید تا آنکه دولت این اشخاص را به سمت طبابت شناخته و غیر اینها را نخواهد شناخت و کسی غیر از آنها اگر دست به این کار زد و مؤاخذه بکند همچو قانونی در مملکت خلی لازم است داشته باشیم حتی در دهات این دلاک‌ها را دیده‌ایم که می‌خزند هر طبابتی که دلشان می‌خواهد می‌کنند حالا خوب یا بد، یا چند سال طبابت کرده باشد یا فلان شرط را دارا باشد، لاقلاً باید دولت اجازه بدهد و بشناسد در این شهر که این مملکت چند نفر طرف رجوع واقع شده‌اند و اشخاص دیگری اگر متصدی عمل شوند جلوگیری بکنند و این کسانی که طرف توجه و رجوع و مجاز شوند البته ترتیبات عملیات آنها را هم خواهد دید باید قانونی باشد همان کسانی که طبابت کرده‌اند باید امتحانات بدهند که چه‌طور دوا داده‌اند فهمیده مداوا کرده‌اند یا خطا کرده‌اند صحیح بوده است، غیر صحیح بوده است و جلوگیری می‌کند از کسانی که طرف توجه نیستند چنین قانونی لازم است لکن این اساس آن کار است حال اگر نواقص دارد آن هم تکمیل خواهد شد و آنچه هم راجع بدواً اظهار شد ابتداً ربطی به دوا سازی نداشت طبیب نباید نسخه رمزی بدهد دواسازها طبییها را می‌بینند

و با دوا خانه سازش می‌کنند، مثلاً شیورینی را مسیویری می‌گویند آن وقت دوا ی صد دیناری را می‌دهند پنج هزار یعنی ساختگی و یک دوا یی مینویسد که غیر از خودشان دیگری نفهمد، نسخه بایدطوری باشد که اگر این دوا فروش قیمت آن را گران گفت، آن دیگری بگوید من میدهم، اگر این هم گران داد ببرد جای دیگر او بگوید من می‌دهم. پس این ربط به طبابت ندارد. بنده این قانون را لازم می‌دانم که بگذرد.

حاج شیخ اسدالله: می‌فرمائید که خیلی لازم است چنین قانونی برای مملکت بنده هم می‌گویم خیلی لازم است نه فقط قانون طبابت بلکه خیلی از قوانین دیگر ولی افسوس می‌خوریم که نمی‌توانیم فعلاً در مملکت جاری بکنیم؛ اما قانون طبابت یک قانونی که بتوانیم در مملکت جاری بکنیم و اسباب زحمت برای مردم و دولت فراهم نشود آن را بنده مخالف نیستم، اما آن ترتیب قانون نیست؛ برای این که در دو سه ماده این بنده خیلی اشکال می‌بینم و تصور نمی‌کنم، به این مذاکراتی که اینجا می‌شود بتوان اصلاح کرد، مثلاً یکی حکایت تحصیل اجازه برای اطباء خارج از مرکز مثل اینکه در همان ماده هم عرض کردم که تحصیل اجازه بکنند از دولت بعد از شش ماه یا یک سال آن یک سال را هم بنده پیشنهاد کرده بودم آن هم از بابت اضطراب بود که بهتر از شش ماه می‌دانسته و لکن آن را هم عقیده ندارم که جاری شود؛ زیرا که اسباب زحمت می‌شود برای اطباء خارج از مرکز نه از برای شهرها؛ زیرا که طبای شهرها می‌توانند تحصیل اجازه بکنند، اما برای طبای قراء و قصبات خیلی شاق است و از برای آنهائی که مبتلا هستند این بلیه که علاج ندارد و مجبورند که همان طبای قراء و قصبات معالجه آنها را بکنند و دیگر درخصوص امتحان این طبائی که در مرکز باید امتحان بدهند یک فرمایشی شاهزاده فرمودند، ولی التفاتی فرمودند در جوابش جوابی ندادند تا به حال اکثر طبای مملکت ایران موافق قانون طبی ایران چه تحصیل می‌کردند، چه عمل می‌کردند آن معمول و متداول بوده است. حالا ترتیب امتحان را در این قانون می‌نویسد که طبای فرنگی باید حاضر

باشوند و این اطباء ایرانی را امتحان بکنند بلکه دولت بعد از آنکه یک علم طبی را پسندیده از برای بعد از این خوب است که اطباء به آن ترتیب مشغول تحصیل شوند به ترتیب طب جدید و دیگر آن وقت طب ایرانی مسکوت عنه باشد و آن را تحصیل نکنند و آن را بنده عرض نمی‌کنم و نمی‌گویم تحصیل نکنند و آن را بنده عرض نمی‌کنم و نمی‌گویم بد است خیلی خوب است، لکن نه از برای حالا آن نتیجه‌اش، از برای بعد از این است که چندین سال بگذرد و این اطباء که طریق تحصیلاتشان به طریق ایرانی بوده از میان بروند و از سر نو یک تحصیل طب به طریق خارجه بکنند و به همان ترتیب هم امتحان بدهند؛ اما اگر اطباء این شهر مگر بعضی از اشخاصی که به خارجه رفته‌اند، به ترتیب علم طبابت آنها ایرانی بوده است و گل گاو زبان می‌داده‌اند، حالا بخواهند بیایند امتحان بدهند در پیش این دکترهای خارجه نمی‌توانند امتحان بدهند و حال آنکه ما آنها را به واسطه تجربیاتی که از آنها دیده‌ایم و معالجاتی که کرده‌اند اطمینان داریم و آنها را قابل می‌دانیم و لازم است که آنها مشغول طبابت باشند؛ به جهت این که آن اندازه طبیب کافی که علم طب جدید را تحصیل کرده باشند که کفایت بکنندمان نمی‌کنم که داشته باشیم علاوه بر این فرض هم که داشته باشیم. آنها چند سال مشغول طبابت بوده‌اند و معالجه هم می‌کرده‌اند و طبابت آنها هم صحیح نیست و آنها هم باید مشغول طبابت باشند این ترتیب امتحانی که قرار داده شده است گمان نمی‌کنم آنها بتوانند امتحان بدهند بعضی از جوهریات را هم که اسمشان را بدانند اصل علمش را ندارند و تا دارای علم نباشند نمی‌توانند امتحان علمی بدهند و فقط به این که خواص بعضی ادویه جات را دانستند نمی‌توانند این امتحان را بدهند این است عرض بنده در کلیات این قانون و اجرای این قانون را در مملکت بنده مخالف هستم و نمی‌توانم در کلیاتش رأی بدهم برای همین محظوراتی که عرض کردم.

محمد هاشم میرزا: بلکه بنده امروز هرچه می‌شنوم فقط همان دلیل سابقه است که طرفین مذاکره می‌کنند، چیز تازه ندارند، ولی این دلایلی که در منع و توقیف این

قانون می‌فرمایند یکی از آنها این است که می‌فرمایند، چون آنها نمی‌توانند امتحان بدهند و اسم دوا را فقط یاد گرفته‌اند و خاصیت آن را نمی‌دانند خوب ما هم عرضمان همین است که آنهایی که نمی‌دانند مردم را به عنوان طبابت نکشند مقصود ما هم همین است ما نباید هر کسی که طبابت می‌کرده باز آنها را طیب نشناسیم و یک قانونی به این وسعت بگذاریم و اما در مسئله اجرایش خیلی از قوانین را ما این جا گذرانیده‌ایم و بعضی از آنها اجرا شده است و بعضی شروع به اجرا شده است از قبیل قانون محاسبات عمومی قانون دیوان محاسبات و قانون خلع اسلحه مشکل تر بود و اجرا شد و مابقی هم اجرا خواهد شد و هیچ مانعی در این نمی‌بینم می‌فرمائید سوءاستعمال خواهد شد در فلان شهر شاید حکومت نتواند امتحان کافی بکند یا بعضی مطالب بنویسد و اخبارات تحصیل بکند اگر ما در این احتمالات را باز کنیم به همه قوانین باز خواهد شد به جهت این که ممکن است که سوء استعمال شود و یک ترتیب و شکل قانونی داشته باشد در قوانین آسمانی هم ممکن است که یک چیزی را سوء استعمال کنند و به اسم قانون پیش برند مثل شهادت دروغی ولی این احتمالات اینجا اشکال نمی‌شود برای اجرای یک قانونی که ما بگوئیم نباید یک همچو قانونی وضع شود به واسطه اینکه ممکن است در یکی از نقاط ایران نتواند به ترتیب صحیح اجرا کنند و بنده این را خیلی قانون سهل خوب لازم الاجرائی می‌دانم و خیلی هم دایره‌اش را وسیع می‌دانم و عقیده بنده این بود که باید محدودتر از این باشد که نتوانند این قدر اشخاص بی‌اطلاع به عنوان این که تجربه کرده‌اند طیب باشند و این که آقایان فرمودند تجربه حاصل کرده‌اند و معالجه می‌کنند این تجربه نیست بنده یک دوائی یک مرتبه داده باشم یا مریض مرده باشد، خوب شده باشد تجربه یک اساسی دارد یک عده معتناهی باید که علماً تجربه بر ایشان حاصل شود یا از اشخاص مختلفه یا از روی اساس علمی باشد، به مجرد این که یک کسی دوائی به کسی داد خوب شد یا مرد، این تجربه علمی نخواهد بود. گمان ندارم که بتواند این اساس علم طب باشد یا این که یک نفر شخص نادان بتواند اساس عمل خودش

قرار دهد و مردم را به زحمت بیندازد و عقیده بنده این است که این قانون خیلی لازم است و رأی بگیرید.

رئیس: مذاکرات آقایان کافی می‌دانند؟ (اظهار داشتند کافی است). رأی می‌گیریم به کلیه این قانون که دارای ۱۳ ماده است و تمام موادش به اکثریت قبول شده است. آقایانی که چنین قانون را تصویب می‌کنند، قیام نمایند: (اغلب قیام کردند) با اکثریت ۴۴ رأی تصویب شد.

متن قانون طبابت

ماده ۱ - هیچ کس در هیچ نقطه ایران حق اشتغال به هیچ یک از فنون طبابت و دندانسازی ندارد مگر آن که از وزارت معارف اجازه‌نامه گرفته و به ثبت وزارت داخله رسانیده باشد.

ماده ۲ - در آتیه اسنادی که وزارت معارف آن را رسماً شناخته و به صاحب آن اجازه‌نامه خواهد داد از این قرار است:

اولاً - تصدیق‌نامه‌هایی که در مملکت ایران به توسط مدارس طبیبی دولت داده می‌شود.

ثانیاً - تصدیق‌نامه‌های طبیبی دولتی ممالک خارجه.

ماده ۳ - گیرنده اجازه‌نامه طبابت مبلغ پنج تومان به صندوق وزارت معارف باید کارسازی نماید.

ماده ۴ - اشخاصی که هیچ یک از تصدیق‌نامه‌های مذکوره در ماده دوم این قانون را ندارند و در تاریخ نشر این قانون از پنج سال کمتر در تهران مشغول طبابت بوده اجازه‌نامه به آنها داده نمی‌شود و از مداومت به شغل مزبور ممنوع خواهند بود.

ماده ۵ - اشخاصی که دارای هیچ یک از تصدیق‌نامه‌های مذکور در ماده دوم این قانون نیستند و بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در تهران طبابت کرده‌اند اجازه‌نامه طبابت می‌توانند به گیرنده مشروط بر این که از تاریخ انتشار این قانون تا انقضاء مدت سه سال حاضر شوند که در حضور کمیسیون مخصوصی که بر طبق ماده هشتم این قانون در وزارت معارف منعقد می‌شود امتحان دهند یا آن که تا مدت چهار ماه یکی از اسناد ذیل را به وزارت معارف ارائه دهند:

اولاً - تصدیق تحصیل و تلمذ در مطب یکی از اطبای معروف مشروط بر این که در آن تصدیق‌نامه ذکر شده باشد که دارنده آن لااقل پنج سال بالاستمرار از تلامذه او بوده است.

ثانیاً - تصدیق‌نامه اطبای مریضخانه دولتی و آمریکائی.

توضیح: تصدیق‌نامه‌های مذکور فقط تا چهار ماه بعد از نشر این قانون اعتبار خواهد داشت و وزارت معارف بر طبق آن اجازه‌نامه طبابت خواهد داد بعد از انقضای آن مدت آن تصدیق‌نامه‌ها از اعتبار خواهد افتاد و فقط اسناد مذکور در ماده دویم این قانون برای تحصیل اجازه‌نامه طبابت معتبر خواهد بود.

ماده ۶ - اشخاصی که بیش از ده سال در تهران استمراراً مشغول طبابت بوده‌اند به هر حال حق دارند اجازه‌نامه طبابت بگیرند.

ماده ۷ - برای آن که اشخاص مذکوره در ماده پنجم و شش این قانون به وزارت معارف معرفی شده اجازه‌نامه بگیرند از تاریخ نشر این قانون تا مدت چهار ماه کمیسیونی در وزارت معارف منعقد خواهد بود که اشخاص مزبور می‌توانند خودشان را به آن کمیسیون معرفی نمایند و کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود: اولاً - از یک نفر از معلمین طب مدیره دارالفنون.

ثانیاً - از یک نفر از اطبای مریضخانه دولتی.

ثالثاً - از یک نفر از اطبای مریضخانه آمریکایی.

رابعاً - از یک نفر از اطبای معروف ایرانی.

خامساً - از دو نفر نماینده وزارت معارف که یکی از آنان رییس کمیسیون خواهد بود اشخاص مزبور را وزیر معارف تعیین خواهد نمود.

ماده ۸ - از تاریخ نشر این قانون تا مدت سه سال هر سال دو نوبت در بهار و پاییز یک کمیسیون در وزارت معارف منعقد خواهد شد برای این که مطابق ماده پنج این قانون اشخاصی را که بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در تهران طبابت کرده و هیچ نوع تصدیقی ندارند و خود را به کمیسیون مذکور در ماده قبل معرفی نموده‌اند به معرض امتحان در آورند کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود:

اولاً - از معلمین رسمی طبی دارالفنون.

ثانیاً - از چهار نفر از اطبای معروف.

ثالثاً - از یک نفر نماینده وزارت معارف که رییس کمیسیون خواهد بود.

تعیین اشخاص مذکور با وزارت معارف است.

ماده ۱۰ - هر کس بر خلاف مقررات مواد فوق به شغل طبابت مشغول شود در نوبت اول اخطار می‌شود و در نوبت دوم چهار ماه محبوس و در نوبت سوم یک سال محبوس خواهد شد.

ماده ۱۱ - بعد از انتشار این قانون هیچ طبیبی برای امور صحیه و طبیه در ادارات دولتی مستخدم و اجیر نخواهد شد مگر این که به موجب اسناد مذکور در ماده دوم دارای اجازه‌نامه طبابت باشد.

ماده ۱۲ - نسخه رمز کلیتاً ممنوع است و هر طبیبی که نسخه رمز بدهد مجازات او چهار ماه حبس خواهد بود.

ماده ۱۳ - وزارت داخله مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون از چهار ماه بعد از نشر آن در تهران و از یک سال بعد از نشر آن در ولایات به موقع اجرا گذاشته شود.

منابع:

- ۱- لوح مشروح، متن قابل جستجوی مشروح مذاکرات مجالس شورای ملی و اسلامی، نسخه دوم، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ۲- ویلم فلور، سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه ایرج نبی پور، بوشهر ۱۳۸۶.
- ۳- محسن روستایی، تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه) به روایت اسناد، تهران ۱۳۸۲.
- ۴- مذاکرات مجلس دوره دوم تقنینیه: ۳ شنبه دوم ذی قعدة ۱۳۲۷ تا ۵ شنبه ۲۹ ذی حجه ۱۳۲۹، تهران، روزنامه رس می کشور، ۱۳۳۴ خورشیدی